

جواد حیدری^۲

ارمنستان همانند کشورهای دیگر که در حال انتقال از اقتصاد برنامه‌ای به اقتصاد بازار هستند بعد از کسب استقلال، اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های تعدیل ساختاری را در ابعاد مختلف اقتصاد کلان خود به اجرا درآورد. سرعت حرکت این جمهوری به سمت اقتصاد بازار آزاد در مقایسه با سایر جمهوری‌های جدا شده از شوروی سابق بسیار سریع بود. محورهای سیاست‌های اقتصادی این کشور برای انتقال از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار عبارت بودند از: دنبال کردن سیاست اقتصاد آزاد و تأکید بر مالکیت خصوصی، استمرار قانون‌گرایی به رغم افزایش سیستم بوروکراسی و فساد اداری در کشور، ایجاد اشتغال در کشور و تأمین رفاه نسبی مردم، توجه جدی به صنایع و معادن و کشاورزی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اتکا به منابع داخلی نظیر مالیات‌ها و عوارض برای تأمین بودجه کشور، حمایت از تولیدات داخلی، حرکت به سمت خصوصی‌سازی بخش‌های مهم اقتصادی و ساختارهای بزرگ دولتی. نوشته ذیل این روندها را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مبحث اول - وضعیت کلی اقتصاد ارمنستان پیش از استقلال

قبل از استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱ این جمهوری یکی از مناطق صنعتی شوروی به حساب می‌آمد و اقتصاد آن بیشتر تحت تأثیر بخش صنعت قرار داشت. این بخش نصف تولید ناخالص داخلی و یک سوم اشتغال را به خود اختصاص داده و بیشتر بر پایه صنایع سبک قرار داشت. اما صنایع این کشور شدیداً به واردات مواد خام، کالاهای واسطه‌ای و مواد سوختی وابسته بود. ۶۰ درصد از تولیدات مربوط به بخش صنعت بود و واردات و صادرات کالاهای صنعتی بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را در دهه ۸۰ شامل می‌گردید. سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ارمنستان در

۱. این مطلب خلاصه پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نگارنده می‌باشد که در راستای برنامه حمایت از طرح‌های مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد پشتیبانی مالی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی قرار گرفته است.

۲. آقای جواد حیدری محقق مسایل اقتصادی ارمنستان است.

این دوران کمتر از صنعت بود و سهم آن در تولید خالص داخلی کمتر از ۲۰ درصد و سهم اشتغال آن کمتر از ۱۰ درصد بود. بازده بخش کشاورزی ارمنستان نیز در مقایسه با جمهوری‌های همسایه در سطح پایین‌تری قرار داشت. بخش ساختمان نیز که به لحاظ اسمی طی سالهای ۹۱-۱۹۸۵ مرتباً رشد داشت، ولی به لحاظ واقعی طی این سالها (به‌استثنای ۱۹۸۹ به دلیل بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله اسپیتاک) دارای رشد منفی بود.^(۱)

در این دوران رکود اقتصادی همانند دیگر جمهوری‌های شوروی بر اقتصاد ارمنستان نیز حاکم بود. متوسط نرخ رشد تولید خالص داخلی (به قیمت‌های ثابت) که طی سال‌های ۸۵-۱۹۷۱ حدود ۷ درصد بود، در سال ۱۹۸۶ به ۱/۷ درصد کاهش یافت و تا سال ۱۹۹۱ (بجز سال ۱۹۸۹) مرتباً دارای رشد منفی بود. افزایش فوق‌العاده ۱۴ درصدی در تولید خالص داخلی در سال ۱۹۸۹ نیز به دلیل فعالیت‌های گسترده این کشور جهت بازسازی ویرانی‌های ناشی از زلزله دسامبر ۱۹۸۸ صورت گرفته بود. در سال ۱۹۹۰، کاهش ۸/۵ درصدی تولید خالص داخلی عمدتاً به خاطر مسایلی از جمله فروپاشی نظام برنامه‌ریزی متمرکز، تلاش‌های ناکافی در جهت اصلاحات اقتصادی، جنگ قره‌باغ، مشکلات موجود در بخش‌های حمل‌ونقل و انرژی و بروز اختلافات تجاری میان جماهیر به‌وجود آمد که گریبانگیر سایر جمهوری‌ها بازمانده از شوروی نیز بود. این عوامل به همراه پاره‌ای از ویژگی‌های اقتصادی ارمنستان خصوصاً عدم تنوع در تولید، وابستگی شدید به تجارت (شامل نیاز به واردات کالاهای اساسی کشاورزی) و کاهش رشد بخش‌های حمل‌ونقل و انرژی به خاطر جنگ با جمهوری آذربایجان و محاصره این کشور از سوی ترکیه و جمهوری آذربایجان و ناامن بودن راه‌های منتهی به گرجستان موجب تشدید وضعیت بحرانی ارمنستان گردید. تولید خالص داخلی سرانه نیز از ۱۸۸۷ روبل در سال ۱۹۸۶ به ۱۶۱۹ روبل در سال ۱۹۹۱ کاهش یافت. در نتیجه ارمنستان برای انتقال به ساختار اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد به دلیل مسایل بجای مانده از سیستم متمرکز قبلی دچار مشکلات عدیده‌ای بود.^(۲)

بنابراین با تجزیه شوروی و اعلام استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱، رشد اقتصادی

به خاطر کاهش تولیدات و فعالیتهای تجاری در این کشور در سالهای قبل از استقلال و سالهای اولیه بعد از استقلال تنزل شدید پیدا کرد. در این شرایط بسیاری از کارخانجات به علت نبود مواد اولیه و سوخت تعطیل گردیده و یا به فعالیت در کمتر از ظرفیت واقعی تولید به کار خود ادامه می دادند. درگیری قره باغ، دولت ارمنستان را مجبور ساخت که بخشی از تولیدات کارخانجات خود را به تولید تسلیحات اختصاص دهد و این کار فشار مضاعفی را بر اقتصاد ضعیف این کشور تحمیل می کرد. این عوامل در مجموع موجب آشفتگی فعالیتهای اقتصادی و بی ثباتی در اقتصاد کلان گردید. (۳)

مبحث دوم - اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان ارمنستان

کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی از جمله ارمنستان برای انتقال از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار باید در اقتصاد کلان خود تغییرات زیادی ایجاد می کردند. در این راستا تغییرات در سیستم پولی و ایجاد پول جدید، استقرار سیستم بانکی، برقراری حقوق مالکیت، انجام خصوصی سازی، جذب سرمایه گذاری خارجی و دریافت کمک های اقتصادی از دیگر کشورها مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس ارمنستان بعد از استقلال با توصیه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول سیاست تعدیل ساختاری را برای اصلاحات اقتصادی کلان خود اتخاذ نمود. این سیاست که به کشورهای در حال انتقال توصیه می گردد بر پایه پنج محور زیر قرار دارد:

۱. تعدیل در بودجه دولتی از طریق کاهش هزینه های دولتی، کاهش و حذف یارانه ها، شفافیت هزینه های دولتی، افزایش درآمدهای مالیاتی از راه گسترش پایه مالیاتی، کاهش و یا حذف معافیت های مالیاتی و آزادسازی مالی؛
۲. تعدیل در تراز پرداخت ها از طریق کاهش ارزش پول داخلی و تشویق صادرات، استفاده از منابع مالی خارجی و آزادسازی تجاری؛
۳. آزادسازی پول از طریق استفاده از کنترل غیر مستقیم پولی و حذف کنترل مستقیم پول؛

۴. خصوصی سازی به منظور گسترش حوزه فعالیت بخش خصوصی و به تبع آن محدود شدن دایره دخالت و فعالیت دولت در امور اقتصادی؛

۵. مقررات زدایی بازار داخلی و آزادسازی فعالیت های اقتصادی و اجازه دادن به سازوکار بازار برای برقراری تعادل عرضه و تقاضا و تعیین قیمت ها. علاوه بر موارد فوق، در سیاست تعدیل ساختاری کاهش فقر و حمایت از اقشار آسیب پذیر، بهبود وضعیت محیط زیست و شرایط سیاسی نیز مورد توجه قرار داشت. (۴)

سیاست تعدیل ساختاری و اصلاحات در اقتصاد کلان ارمنستان به سرعت به اجرا درآمد و باعث تحمیل فشارهای گوناگون بر مردم این کشور به ویژه در سالهای اولین اجرای اصلاحات گردید. با این همه دولتمردان ارمنی به تصمیم خود برای عبور از این دوران مصمم بودند و همین امر سبب شد تا سیاست های اقتصادی در سال ۱۹۹۵ تا حدودی جواب دهد. در این مبحث ابتدا به بررسی اصلاحات اقتصادی در اقتصاد کلان می پردازیم و سپس در مبحث بعدی نتایج این اصلاحات را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱. خصوصی سازی: خصوصی سازی در ارمنستان در عرصه های مختلف یکی پس از دیگری پس از استقلال تحقق یافت؛ زیرا خصوصی سازی برای انتقال به اقتصاد بازار آزاد حیاتی بود. این روند در ارمنستان در چهار زمینه اصلی صورت گرفت که عبارت بودند از: خصوصی سازی زمین ها، خصوصی سازی منازل مسکونی، خصوصی سازی کارخانجات و شرکت های کوچک، متوسط و بزرگ و خصوصی سازی پروژه های نیمه تمام ساختمانی. در اثر روند خصوصی سازی در ارمنستان در حال حاضر می توان اقتصاد این کشور را به عنوان اقتصاد متنوع چندشکلی تعریف کرد که در آن تقریباً تمامی اشکال مالکیت اعم از شخصی، خصوصی، گروهی، مختلط و سهامی وجود دارد و اکثریت صنایع در دست بخش خصوصی است. با این وجود روند خصوصی سازی در این کشور در برخی مراحل بدون کنترل و نظارت لازم انجام شد؛ زیرا برنامه راهبردی در این

خصوص وجود نداشت. به همین خاطر خصوصی سازی در طول اجرای اصلاحات اقتصادی دچار توقف گردید. به عنوان مثال، در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ و بعد از خصوصی سازی زمین، مدت ۲ تا ۳ سال روند خصوصی سازی متوقف گشت. همین مشکلات باعث گردید برنامه خصوصی سازی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۸ در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۷ در مجلس ارمنستان به تصویب برسد. براساس قانون خصوصی سازی جدید واحدهای خارجی حق شرکت در ایجاد شرکتهای سهامی و سایر شرکتها و در اختیار داشتن اموال، مؤسسات تولیدی و غیر تولیدی و ساختمانها و تأسیسات را به دست آوردند که تأثیر زیادی بر اقتصاد خارجی این کشور گذاشت.^(۵)

بنابه آمار رسمی دولت ارمنستان تا اول ژانویه ۲۰۰۱ در این جمهوری تعداد ۱۵۵۴ شرکت (متوسط و بزرگ) خصوصی شده اند که از این میان ۱۱۱۶ شرکت با فروش آزاد سهام خصوصی شده اند که مبلغ ۱/۹ میلیارد دلار بابت آنها پرداخت شده است. همچنین تا همین مدت زمان تعداد ۸۲۸۶ واحد «کوچک» در ارمنستان مورد ارزیابی قرار گرفته که طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۴، تعداد ۶۸۴۹ یا ۸۲/۶ درصد آن خصوصی شده اند و تقریباً خصوصی سازی در این بخش کامل شده است.^(۶) در همین راستا، تا سال ۲۰۰۱ تعداد ۱۰ واحد خیلی بزرگ خصوصی شده اند. در حالی که ۱۷۰ شرکت و کارخانه بزرگ هنوز در مرحله خصوصی سازی هستند. تعدادی از این واحدها حداقل دوبار در این روند قرار گرفته اند؛ ولی خصوصی سازی آنها انجام نگرفته است. همچنین بیش از ۹۰۰ واحد اقتصادی در طول سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۱ در فهرست خصوصی سازی قرار دارند. در این فهرست سازمان هواپیمایی ملی، کارخانه های تولید برق آبی، شبکه های توزیع برق، دو مرکز بزرگ حمل و نقل مسافر و کالا، هتلها، کارخانجات مهم الکترونیکی، کارخانجات تولید مواد معدنی و متالورژی، کارخانجات تولید مصالح ساختمانی، شیمیایی، نساجی و فرآوری چوب نیز قرار دارند. دولت ارمنستان همچنین تصمیم دارد آخرین بانک دولتی این کشور را به نام آرمزیربانک^۱ که یکی از بزرگترین بانکها با شعبه های زیادی

1. Armsberbank

است، خصوصی سازی نماید. روسیه، آمریکا و انگلیس علاقه‌مندی خود را برای شرکت در خصوصی سازی این بانک اعلام کرده‌اند.^(۷) قابل ذکر است خصوصی سازی برخی از واحدهای بزرگ اقتصادی به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای تصاحب آنها با مشکل مواجه شده و رنگ سیاسی به خود گرفته است. از جمله می‌توان به شبکه‌های توزیع برق اشاره نمود.

۲. وضعیت بانکی و بازار ملی: توسعه نظام بانکی در ارمنستان در شرایط انتقال به اقتصاد بازار آزاد در سه مرحله صورت گرفت: در مرحله اول (سالهای ۱۹۹۲-۱۹۸۸) به‌عنوان آغاز روند شکل‌گیری ساختار نوع مالکیت در عرصه مالی بانکی توصیف می‌شود. اعلام استقلال جمهوری ارمنستان این روند را تسریع بخشید. در پایان سال ۱۹۹۳ در ارمنستان با وجود چهار بانک بزرگ تخصصی دولتی، حدود هفده بانک تجاری کوچک و متوسط فعالیت می‌کردند. در مرحله دوم (سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۳) ایجاد پایه‌های بنیانی انجام سیاست پولی و اعتباری به‌عنوان جزئی از سیاست اقتصاد کلان صورت گرفت. دو قانون بنیادی برای سیستم بانکی یعنی «قانون بانک مرکزی» و «قانون بانک‌ها و فعالیت بانکی» که در سال ۱۹۹۳ تصویب شدند، به‌عنوان مهمترین دستاورد این مرحله به حساب می‌آیند. دیگر دستاورد مهم مرحله دوم ایجاد محیط رقابتی در بازار خدمات بانکی است که شرط لازم جهت مطلوب ساختن نرخ‌های خدمات بانکی می‌باشد. سیاست بانک مرکزی در این جهت تأمین فعالیت بازار در رژیم نزدیک به رژیم رقابت آزاد که شرایط صعود و خروج آزاد به همه بخش‌های بازار مالی را ایجاد می‌کند، می‌باشد. تأسیس بانک‌های خارجی و بانکهای داخلی با مشارکت خارجی در ارمنستان نیز به شکل دهی چنین محیط رقابتی کمک کرده است. در پایان سال ۱۹۹۶ مشارکت سرمایه خارجی در سرمایه اولین بانکهای جمهوری ارمنستان بالغ بر ۴۲/۸ درصد بود. مرحله سوم از ۱۹۹۶ تاکنون به بهبود کیفی و گسترش خدمات بانکی از جهت‌گیری به کاربرد متوالی تکنولوژی‌ها و استانداردهای بانکی معاصر منجر گردید. قانون فعالیت‌های بانک‌ها و بانکداری در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۹۶ توسط

مجلس ملی ارمنستان به تصویب رسید. بانک مرکزی در این قانون نقش رهنمون‌کننده مشخص را دارد.

در حال حاضر در ارمنستان ۳۰ بانک با ۲۰۰ شعبه فعالیت می‌کنند. بانک ملت ایروان، بانک انگلیسی SHBC، بانک بین‌المللی تجاری یونان، آراکسیم بانک، بانک بین‌المللی تجاری و یونی بانک شش بانک وابسته به بانکهای خارجی هستند که در ارمنستان فعالیت می‌کنند. هم‌اکنون پنج بانک دیگر مرحله سرپرستی را می‌گذرانند. حجم سرمایه مشترک بانک‌های ارمنستان در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۶۱/۲ میلیون دلار بوده که در مقایسه با سال ۱۹۹۹ به میزان ۲۶/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد. حجم سرمایه اساسی بانک‌ها تا اول ژانویه سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۴۲/۴ میلیون دلار بوده و در مقایسه با اول ژانویه سال ۱۹۹۹ به میزان ۲۱/۳ درصد افزایش یافته است. در عین حال موجودی‌های کلی سیستم بانکی طی سال ۱۹۹۸ به میزان ۲۱/۳ درصد افزایش یافته‌اند و تا یکم ژانویه سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۳۵۲/۹ میلیون دلار بوده است. تا ماه آگوست سال ۲۰۰۱ میزان کل سرمایه نظام بانکی ارمنستان بالغ بر ۳۴/۸ میلیون دلار، میزان کل دارایی‌ها معادل ۳۹۸/۹ میلیون دلار، میزان کل بدهی‌ها معادل ۳۶۴/۱ میلیون دلار بوده است. حجم نسبی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سرمایه اصلی بانک‌ها نیز حدود ۴۸ درصد می‌باشد. (۸)

همچنین در اثر اتخاذ سیاست مالی که از سال ۹۴ به اجرا درآمد، در دوره بعد از جهت‌گیری بازار آزاد کسری بودجه در تولید ناخالص داخلی به‌طور مداوم کاهش پیدا کرد و از ۱۶/۴ درصد در سال مذکور به ۵/۹۸ درصد در سال ۱۹۹۹ رسید. این پیشرفت در اثر کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی به دست آمد. درآمدهای مالیاتی نیز رشد قابل توجهی را به دست آورد. از سال ۹۵ تا ۹۸ درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی افزایش یافت و از ۴/۲ درصد به ۱۶/۹۴ درصد رسید. (۹)

اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی در ارمنستان نیز با هدف کاهش سطح تورم، تضمین

ثبات نرخ مبادله ارز و تشکیل نظام سودمند بانکی صورت گرفت. نظارت و کنترل بر کلیه بانک‌ها توسط بانک مرکزی با هدف ارزیابی اوراق بهادار اعتباری و عملی بودن پوشش خسارات مربوط به بدهی‌های آنها دنبال گردید. در طول چند سال گذشته به خاطر اتخاذ سیاست پولی موفق در ارمنستان، نرخ تورم کاهش پیدا کرد. وجود ثبات نرخ تبادل و افزایش اعتماد ملی به پول رایج کشور که حایز اهمیت است، موجب کاهش تورم شده است. یکی دیگر از دستاوردهای مهم سال ۲۰۰۰ کاهش اسمی نرخ بهره بوده است. اجرای موفق سیاست پولی سبب به وجود آمدن این دستاورد می‌باشد. (۱۰)

۳. سیاست سرمایه‌گذاری: به‌وضوح مشهود بود که ارمنستان برای ایجاد سرمایه لازم جهت نیل به ثبات در زمینه اقتصاد کلان و پیشرفت هرچه بیشتر صنایع، از سرمایه‌گذاری‌های خارجی بی‌نیاز نبود. از این نقطه نظر، ایجاد امکانات لازم ساختاری و سرمایه در امر اصلاحات اقتصادی برای تشویق صادرات و نیز به موازات آن تأثیر بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کلاً سرمایه، برای دولت ارمنستان در اولویت قرار گرفتند. با توجه به این واقعیات، دولت این کشور در حال اجرای برنامه‌های مختلف در جهت قرار دادن ارمنستان در وضعیت رقابت در زمینه سرمایه‌گذاری با دیگر کشورها است. قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۴ توسط مجلس ملی ارمنستان به تصویب رسیده است. این قانون، به همراه دیگر مقررات از جمله قانون مالیات بر بهره، قانون سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و قانون پیمان‌های مالیاتی و غیره، چارچوب حقوقی جامعی را فراهم آورده و سیاست عمومی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را شکل داده است. این قانون تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در نظر گرفته که مهمترین آنها عبارتند از: تملک بر سهام در امور جاری، تأسیس کارخانجات، شرکت‌های سهامی و دفاتر نمایندگی، معافیت صادرات لوازم و تجهیزات عمده از عوارض گمرکی. همچنین هیچ‌گونه قید و شرطی و یا مالیاتی بر روند خروج سود وضع نشده است. سرمایه‌گذاران در مقابل هرگونه

تغییرات منفی در عرصه قانونی تضمین شده‌اند. حتی تا حدی که آنها می‌توانند درخواست ادامه اجرای قوانین قبلی برای مدت ۵ سال دیگر را نیز نمایند. حوزه عمده‌ای که باعث محدودیت سرمایه‌گذار می‌شود، ممنوعیت مالکیت زمین بود. در این راستا شرکت‌های خارجی حق مالکیت ساختمان و زمین‌های اجاره‌ای را نداشتند که این محدودیت نیز توسط دولت ارمنستان مرتفع گردید. این قانون همچنین تشویق‌هایی را به صورت معافیت از مالیات بهره برای دو سال اول انجام سرمایه‌گذاری و نیز کاهشی معادل ۵۰ درصد برای ۸ سال بعدی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. به هر حال این تنها راه دسترسی برای سرمایه‌گذاری‌های بیش از ۵۰۰ میلیون درام است. (تقریباً یک میلیون دلار آمریکا)^(۱۱)

۴. مسایل تأمین اجتماعی: همان‌طور که گفته شد در سیاست‌های تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دهه ۹۰ میلادی توجه جدی به مقوله تأمین اجتماعی گردید. در دوره گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به اقتصاد بازار آزاد، سطح زندگی بخش عمده مردم ارمنستان کاهش یافت. حقوق بازنشستگی، مستمری‌ها و دستمزد کارمندان ادارات دولتی با تأخیر ۳ تا ۶ ماهه پرداخت می‌شود. میانگین حقوق بازنشستگی در اول جولای سال ۱۹۹۹ در حدود ۸ دلار آمریکا بوده است. براساس نتایج سه ماهه آخر سال ۱۹۹۹ میانگین دستمزد ماهانه یک فرد ۴۰ دلار و در ادارات دولتی بالغ بر ۲۵ دلار بوده است. میانگین کمک هزینه بیکاری در همان زمان بالغ بر ۶ دلار بوده است. در جدول شماره ۱ میزان حقوق اسمی و واقعی افراد طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۴ نشان داده شده است.^(۱۲)

جدول شماره ۱ - نرخ اسمی و واقعی حقوق ماهیانه (۱۹۹۴-۲۰۰۰)

حقوق	۱۹۹۲	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
اسمی (درام)	۱۷۴۸	۷۰۶۰	۹۴۶۹	۱۳۵۸۱	۱۸۰۰۰	۲۰۱۵۷	۲۲۸۵۱
واقعی (درام)	۱۷۴۸	۲۵۶۴	۲۸۹۵	۳۶۴۹	۴۴۵۰	۴۹۵۴	۵۶۶۲
اسمی (دلار)	۵/۹	۱۷/۴	۲۲/۹	۲۷/۷	۳۵/۷	۳۷/۷	۴۲/۴

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April - June) 2001, p.73.

اشتغال بسیار ناکافی و نرخ بیکاری در حال افزایش می‌باشد. نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۱۱/۱ درصد بود ولی در سال ۲۰۰۰ به ۱۱/۹ درصد افزایش یافت. دولت این کشور تلاش داشت این میزان در سال ۲۰۰۱ به ۹/۱ درصد کاهش یابد. در ارمنستان رسماً ۱۷۷ هزار و ۳۰۰ نفر بیکار به ثبت رسیده‌اند. ۹۴/۸ درصد بیکاران در شهرها می‌باشند که از این تعداد ۲۷/۹ درصد در ایروان، ۱۷/۲ درصد در گیومری و ۸/۸ درصد در وانادزور، سه شهر مهم ارمنستان هستند. در میان آوارگان و پناهندگان در اثر جنگ قره‌باغ نیز رقم بیکاری بالاست. در سال ۲۰۰۰ وضعیت اشتغال در این کشور به وضعیت نابسامان خود را ادامه داد و نرخ مشارکت جمعیت در بازار کار باز هم کاهش یافت. میزان مشارکت مردم در سال ۲۰۰۰ به ۶۳/۴ درصد کاهش یافت، در حالی که در سال ۹۷ این میزان ۷۰/۸ درصد بود. زنان ۶۴/۷ درصد بیکاران رسمی را تشکیل داده‌اند. میزان نسبی آنها در مجموع روند صعودی دارد. در همین حال از اول سال ۲۰۰۰ تعداد ۱۰۵۵۷ نفر به کار مشغول شده‌اند. تعداد بیکارانی که کمک هزینه دریافت می‌کنند بالغ بر ۱۰/۹ هزار نفر می‌باشند و میزان متوسط کمک هزینه بیکاری ۳۱۸۵ درام (۶ دلار) است. طبق آمار جدول شماره ۲ بخش اصلی در اقتصاد ارمنستان در سال ۹۰، صنعت بوده که ۳۰ درصد از نیروی کار را جذب می‌کرده است. در سال ۹۹ تعداد نیروی کار در این بخش به میزان ۲/۵ برابر کاهش یافته است. کاهش نیروی کار در بخش ساختمان، آموزش، حمل و نقل و

ارتباطات نیز شدید بوده است. در حالی که بخش کشاورزی و جنگل در این زمینه با افزایش روبرو بوده‌اند. تعداد نیروی کار در این بخش تقریباً دو برابر شده که ۴۳ درصد از کل نیروی کار را دربر می‌گیرد. اما تقاضا برای کار در محدوده صنعتی در سال ۲۰۰۰ بیشتر شده و ۲۶/۸ درصد را تشکیل داده است. ۱۸/۷ درصد متعلق به سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات، ۱۶/۹ درصد متعلق به سایر شاخه‌های اقتصادی و بقیه متعلق به بخش کشاورزی بوده است.

جدول شماره ۲ - اشتغال در بخش‌های اصلی اقتصاد (هزار نفر)

مشخصات	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹	۱۹۹۹
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صنعت	۲۹۴/۸	۴۵۸/۲	۴۰۵/۲	۳۴۲/۵	۳۵۵/۲	۳۰۲/۹	۲۵۵	۲۲۸/۹	۲۱۰	۱۹۵/۲
کشاورزی و جنگل	۲۸۹/۱	۳۸۹/۰	۴۸۷/۱	۵۲۲/۲	۵۰۴/۳	۵۵۱/۹	۵۸۶	۵۶۶/۶	۵۶۸	۵۶۲/۴
ساختمان	۱۸۴/۱	۱۷۶/۹	۱۳۵/۴	۱۱۷/۴	۹۶/۸	۷۶	۶۸	۵۹/۷	۵۶	۵۳/۶
خدمات	۶۲۳/۶	۶۰۵/۳	۵۲۲/۱	۵۱۰/۴	۵۰۴/۳	۵۳۱/۹	۵۱۴	۵۰۴/۳	۴۸۹	۴۷۵/۷
سایر موارد	۳۸/۵	۴۲/۱	۲۸/۳	۳۰/۸	۲۷	۱۳/۷	۱۲/۶	۱۳	۱۲	۱۱/۳
مجموع	۱۶۳۰.۱	۱۶۷۱۵	۱۵۷۸۱	۱۵۴۳۳	۱۴۸۶۶	۱۴۷۶۴	۱۴۳۵۶	۱۳۷۲۵	۱۳۳۵۰	۱۲۹۸۲
درصد از کل										
صنعت	۳۰/۴	۲۷/۴	۲۵/۷	۲۵/۵	۲۳/۹	۲۰/۵	۱۷/۸	۱۶/۷	۱۵/۷	۱۵/۰
کشاورزی و جنگل	۱۷/۷	۲۳/۳	۳۰/۹	۳۳/۸	۳۳/۹	۳۷/۴	۴۰/۸	۴۱/۸	۴۲/۵	۴۳/۳
ساختمان	۱۱/۳	۱۰/۶	۸/۶	۷/۶	۶/۵	۵/۱	۴/۷	۴/۳	۴/۲	۴/۱
خدمات	۳۸/۳	۳۶/۲	۳۳/۱	۳۳/۱	۳۳/۹	۳۶/۰	۳۵/۸	۳۶/۷	۳۶/۶	۳۶/۶
سایر موارد	۲/۴	۲/۵	۲/۸	۲/۰	۱/۸	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April-June_ 2001, p.73)

در این راستا دولت ارمنستان برنامه‌هایی جهت ایجاد اشتغال بر پایه محورهای ذیل در دست اجرا دارد:

تنظیم قوانین مربوط به روابط کارگر و کارفرما، تدوین مکانیزم‌های تشویق تجارت و فعالیت اقتصادی خرد و متوسط، کمک مالی به بیکاران جهت ایجاد کار شخصی، حمایت از شهروندان ناتوان و آوارگان برای یافتن شغل، ایجاد مراکز آموزشی جهت فراگیری تخصص‌های جدید برای بیکاران و ارتقای کیفیت آنها، مشارکت پناهندگان در تدوین و اجرای برنامه‌های ایجاد اشتغال، سازمان‌دهی پرداخت کمک هزینه‌های اجتماعی. (۱۳)

در جمع‌بندی از این قسمت باید گفت روند اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی در ارمنستان در اوایل سال‌های ۹۴-۱۹۹۲ ناهماهنگ و کند بود که علت عمده آن را می‌توان وجود جنگ با جمهوری آذربایجان و فقدان تفاهم داخلی بر سر سیاست‌های مهم و کلیدی دانست. اما به‌رغم مشکلات عدیده در راه اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و نتایج نسبتاً ضعیف اصلاحات، استمرار و ثبات در اجرای این سیاست‌ها، باعث گردید تا سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی و سرمایه‌گذاران خارجی تا حدودی به اقتصاد ارمنستان و بازار آن اعتماد نمایند و سیاست‌های خود را در مورد این کشور دنبال کنند.

مبحث سوم - نتایج اجرای اصلاحات اقتصادی

اجرای اصلاحات و توسعه اقتصادی در ارمنستان را می‌توان به دو مرحله تقسیم نمود:

اول، سالهای بحرانی ۱۹۹۴-۱۹۹۱ و دوم، سالهای رشد و ثبات اقتصادی ۲۰۰۱-۱۹۹۵.

۱. سالهای بحرانی ۱۹۹۴-۱۹۹۱: در نتیجه اتخاذ نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و

اجرای اصلاحات ساختاری با توجه به مشکلات به ارث رسیده از دوران شوروی سابق، تمام

شاخص‌های اقتصاد کلان ارمنستان در سالهای اولیه بعد از استقلال به‌طور محسوسی کاهش پیدا کردند و اوضاع اجتماعی و اقتصادی این کشور روبه‌وخامت گرایید. به‌عنوان مثال در دوره زمانی ۱۹۹۳-۱۹۹۰ کاهش شدیدی در سطح تولید ناخالص داخلی مشاهده شد. کسری بودجه دولتی به سطح ۵۶ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. درصد رشد واقعی تولید ناخالص داخلی طی این سالها پیوسته منفی بود و برای سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۱ این ارقام به ترتیب $۱۰/۸-$ ، $۵۲/۴-$ و $۱۴/۸-$ درصد به ثبت رسید. این کاهش منجر به کسری تراز پرداختهای خارجی به میزان بیش از نیمی از تولیدات ناخالص داخلی گردید. طی این دوره زمانی تولید ناخالص داخلی با ۵۲ درصد کاهش از $۳/۷$ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ به $۱/۸$ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ تنزل کرد و سپس به پایین‌ترین سطح خود در سال ۱۹۹۳ یعنی $۱/۵$ میلیارد دلار رسید. درآمد ملی نیز در سال ۱۹۹۲ در مقایسه با سال ۱۹۹۱، به میزان $۴۷/۳$ درصد کاهش یافت که در مقایسه با برخی از جماهیرشوروی سابق بسیار زیاد بود. کاهش درآمد ملی در سال ۱۹۹۳، به میزان ۱۵ درصد به ثبت رسید که در مقایسه با سال ۱۹۹۰ در مجموع بیش از ۶۰ درصد تنزل را نشان می‌داد. معرفی پول ملی در نوامبر سال ۱۹۹۳ بحران فوق را تشدید نمود. طی اولین سال پس از رواج پول ملی، میزان برابری آن با دلار بین $۱۴/۵$ تا ۴۰۰ درام در نوسان بود.

این وضعیت باعث شد که فعالیتهای اقتصادی به‌ویژه در بخش صنعت به حالت سکون درآیند و سبب بیکاری گسترده در این کشور شود. کاهش قدرت خرید مردم نیز به نوبه خود سایر بخشهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۹۹۱ متوسط سطح تورم ۱۷۴ درصد و در سال ۱۹۹۲ سطح تورم ۷۲۹ درصد به ثبت رسید. تورم در سال ۱۹۹۳ به اوج خود یعنی $۱۰۹۰۰/۳$ درصد و در سال ۱۹۹۴ به $۱۷۶۲/۷$ درصد رسید. تورم چهاررقمی و پنج رقمی باعث تنزل شدید سرانه تولید ناخالص داخلی برای هر نفر شد، به طوری که از مبلغ ۱۵۹۰ دلار در سال

۱۹۹۰ به ۱۷۳ دلار در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت. با این که حجم درآمدهای اسمی شهروندان ارمنی در سال ۹۴ در مقایسه با سال ۹۰ در حدود ۱۳۶۷ برابر رشد داشته، ولی قیمت کالاهای مصرفی در همان مقطع ۲۲۱۱۱ برابر افزایش یافته که در نتیجه قدرت خرید مردم ۱۶/۲ برابر افت کرده بود. در اثر سقوط بسیاری از شاخص‌های اقتصادی طی دو سال پس از استقلال، اوضاع اقتصادی ارمنستان وخیم‌تر شده بود. (۱۴)

۲. **سالهای رشد و ثبات اقتصادی ۲۰۰۱-۱۹۹۵:** به رغم نرخ رشد اقتصادی منفی در طول سالهای ۹۳-۱۹۹۱، ارمنستان نخستین جمهوری منفک از شوروی سابق بود که در سال ۱۹۹۴ به نرخ رشد اقتصادی مثبت دست یافت. با برقراری آتش‌بس بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در ماه مه ۱۹۹۴ که تاکنون پایدار مانده است، اجرای اصلاحات اقتصادی در ارمنستان با جدیت و سرعت دنبال شد. به طوری که رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۵ به ۶/۹ درصد رسید. این رشد در سالهای بعد نیز تا حدودی ادامه یافت. ارقام مربوط به سطح متوسط تورم نیز از سال ۱۹۹۴ به بعد به صورت مداوم کاهش یافت و در سال ۱۹۹۵ به ۳۲/۳ درصد، در سال ۱۹۹۷ به ۱۴ درصد و در سال ۱۹۹۹ به ۲ درصد کاهش یافت که نشانگر کاهش بیش از ۵۰۰۰ درصد می‌باشد. این تحول در اثر حمایت سازمانهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک اروپایی بازسازی و توسعه، سایر مؤسسات مالی بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده و به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی بود. (۱۵) شاخص‌های اصلی اقتصاد کلان در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۵ در جدول شماره ۳ به نمایش گذارده شده‌اند. رشد تولید ناخالص داخلی به همراه کاهش تورم نشانگر موفقیت اجرای این اصلاحات می‌باشد. با این همه سطح تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۹۹ تنها به ۶۰ درصد میزان سال ۱۹۹۰ رسید.

جدول شماره ۳ - شاخص های اقتصاد کلان در سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۱

مشخصات	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	۶/۹	۵/۹	۳/۳	۷/۳	۳/۳	۶/۰	۶/۶
رشد تولیدات صنعتی	۲/۴	۱/۲	۰/۹	-۲/۵	۵/۲	۶/۴	۲/۷
رشد تولیدات کشاورزی	۲/۰	۲/۰	-۴/۵	۱۲/۹	۱/۴	-۲/۴	-۰/۹
تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد درام)	۵۲۲۰۳	۶۶۱۰۲	۸۰۴۰۳	۹۵۵۰۴	۹۸۷۰۱	۱۰۳۲۰۶	۲۸۶۰۵
سهم صنعت در GDP (درصد)	۲۴/۳	۲۳/۴	۲۲/۵	۱۹/۹	۲۱/۰	۲۱/۵	۲۶/۵
سهم کشاورزی در GDP (درصد)	۳۸/۷	۳۴/۸	۲۹/۴	۳۰/۸	۲۶/۲	۲۳/۱	۱۷/۸
سرنانه تولید ناخالص داخلی (دلار)	۳۴۲۰۲	۴۲۳۰۸	۴۳۲۰۹	۴۹۸۰۴	۴۸۵۰۴	۵۰۳۰۳	۱۸۴۰۱
نرخ بیکاری (درصد)	۳/۸	۱۰/۱	۱۰/۸	۹/۲	۱۱/۲	۱۱/۶	۱۰/۳
کسری بودجه دولتی (درصد GDP)	۱۱/۰	۹/۳	۶/۴	۷/۳	۵/۲	۴/۸	۵/۷
صادرات (میلیون دلار)	۲۷۰۰۹	۲۹۰۰۳	۲۳۲۰۵	۲۲۰۰۵	۲۳۱۰۷	۲۹۷۰۵	۱۵۵۰۸
واردات (میلیون دلار)	۶۷۳۰۹	۷۵۷۰۴	۷۷۹۰۴	۷۹۴۰۷	۶۹۷۰۳	۷۵۷۰۴	۳۹۵۰۳
تراز تجاری (میلیون دلار)	-۴۰۳۰۰	-۴۶۷۰۱	-۵۴۷۰۰	-۵۷۴۰۲	-۴۶۵۰۶	-۴۵۹۰۹	-۲۳۹۰۵
بدهی خارجی (میلیون دلار)	۳۷۲۰۶	۵۲۲۰۱	۶۴۰۰۵	۷۳۸۰۸	۸۴۰۰۶	۸۴۰۰۴	۸۳۹۰۰
درصد بدهی خارجی از GDP	۲۹/۰	۳۱/۹	۳۹/۱	۳۹/۰	۴۵/۶	۴۳/۹	۴۳/۱
ذخایر خارجی (میلیون دلار)	۱/۸	۲/۳	۳/۰	۳/۵	۴/۰	۳/۹	۳/۹

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April - June) 2001, p.9.

جدول شماره ۴ - وضعیت تولید ناخالص ملی در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۹

درام						روبل				مشخصات
۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۹۸۹,۱	۹۵۱,۹	۷۹۸,۵	۶۶۳	۵۲۲,۳	۱۸۷,۱	۸۵۳,۱	۶۲,۵	۱۶	۱۰,۱	تولید ناخالص ملی به قیمت‌های واقعی (میلیارد درام)
										به دلار آمریکا (میلیون)
۱۸۵۵,۷	۱۸۸۵,۴	۱۶۰۰,۸	۱۵۹۷	۱۲۸۶,۵	۶۴۳,۳	۴۹۲,۲	۳۲۳,۷	-	-	
۲۶۷,۳	۲۵۰,۹	۲۱۰,۹	۱۷۵	۱۳۸,۹	۴۹,۹	۲۲۸,۶	۱۷	-	-	سرانه تولید ناخالص ملی (هزار درام)
۵۰۰,۹	۴۹۶,۵	۴۲۲,۸	۴۲۳,۲	۳۴۲,۲	۱۷۱,۷	۱۳۱,۹	۸۷,۸	-	-	به دلار آمریکا

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April- June) 2001, p.10.

در طول سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۴ رشد اقتصادی ۵/۴ درصد به طور سالانه به ثبت رسید و سرانه هر شهروند ارمنی از تولید ناخالص داخلی به میزان ۵۰۳ دلار افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹ نیز در مقایسه با سال ۱۹۹۴ رشد درآمدهای اسمی شهروندان این کشور ۱/۸ برابر بیشتر از رشد قیمت‌ها بوده، در عین حال سطح فعلی قدرت خرید بیش از ۹ برابر کمتر از سطح سال ۱۹۹۰ می‌باشد. این مسأله نشان دهنده فقر گسترده در ارمنستان و علت اصلی مهاجرت مردم به خارج می‌باشد که میزان آن در سالهای اخیر افزایش یافته است. عدم تأثیر زیاد رشد اقتصادی در افزایش اشتغال نیز به پدیده مهاجرت کمک نموده است. البته پیش‌نیازهای خوبی برای حفظ میزان برابری پول ملی با ارزهای خارجی فراهم آمده بود و دولت به تحقق سیاست‌های جامع و

قاطع مالی و اعتباری خود ادامه می‌دهد. در صورت اجرای دقیق این سیاست بودجه دولتی تقویت می‌گردد. (۱۶)

رشد تولید ناخالص ملی در این کشور اساساً به حساب تغییر حجم تولید و خدمات ۵ شاخه اصلی اقتصاد (صنعت، کشاورزی، ساختمان، تجارت و حمل‌ونقل) بوده که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۸۰ درصد از حجم تولید ناخالص ملی را شامل می‌شده‌اند. ارزش افزوده تولیدات صنعتی در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۲۷ میلیارد درام (۴۲۱ میلیون دلار) با ۶/۴ درصد افزایش نسبت به سال ۹۹ به ثبت رسید. (جدول شماره ۵) ارزش افزوده تولیدات بخش کشاورزی به ۲۳۲/۳ میلیارد درام (۴۳۰/۶ میلیون دلار) رسید که ۲/۴ درصد نسبت به سال قبل کمتر بود. تولید بخش ساختمان ۱۱۲/۶ میلیارد درام (۲۰۸/۶ میلیون دلار) بود که یک افزایش ۲۸/۴ درصدی را نسبت به سال ۹۹ نشان می‌داد. ارزش افزوده کارکرد بخش تجاری نیز ۹۵ میلیارد درام (۱۷۶ میلیون دلار) بود که نشانگر ۸/۵ درصد رشد مثبت بود. در حالی که ارزش افزوده بخش حمل و نقل و ارتباطات با ۷۱/۲ میلیارد درام (۱۳۲ میلیون دلار) در حدود ۰/۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش نشان می‌داد. (۱۷)

جدول شماره ۵ - آهنگ رشد تولید ناخالص ملی بر حسب بخشهای اقتصادی (درصد)

مشخصات	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
مجموع تولید ناخالص ملی	۸۸/۳	۵۸/۲	۹۱/۲	۱۰۵/۴	۱۰۶/۹	۱۰۵/۴	۱۰۳/۱	۱۰۷/۲	۱۰۳/۱
صنایع	۹۶	۴۰/۳	۱۰۸/۸	۱۱۵/۲	۱۰۲/۶	۱۰۱/۲	۱۰۱/۱	۹۷/۴	۱۰۵/۲
کشاورزی	۹۸	۹۱/۳	۹۴/۲	۱۰۵/۸	۱۰۴	۱۰۲	۹۶/۱	۱۱۳/۱	۱۰۱/۳
ساختمان سازی	۷۵/۳	۱۴/۷	۷۹/۷	۹۱/۶	۹۴/۲	۱۳۰/۶	۱۰۱/۴	۱۱۱	۱۰۰/۴
تجارت	۷۹/۴	۳۱/۴	۸۶/۷	۱۱۱/۲	۱۷۳	۱۱۲/۵	۱۰۵/۲	۱۰۶/۱	۱۰۷/۷
حمل و نقل	۷۹/۲	۴۲	۳۰/۲	۹۴/۳	۱۰۹/۶	۱۰۲/۸	۱۱۰/۲	۱۰۸	۸۱/۳

با اتخاذ سیاست‌های جدید اقتصادی، بخش خصوصی در اقتصاد این کشور ایجاد و گسترش یافت و موجب رشد سطح میانگین زندگی مردم شد. آهنگ توسعه بخش خصوصی در این دوران در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. سهم بخش خصوصی در زمینه‌های کشاورزی و تجارت به ترتیب ۹۸ و ۹۷ درصد بوده است.

جدول شماره ۶- درصد وزن نسبی بخش خصوصی در ترکیب تولید ناخالص داخلی

بشخصات	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
مجموع تولید ناخالص ملی (%)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
وزن نسبی بخش خصوصی (%)	۱۱/۷	۳۲/۷	۳۶/۷	۴۶/۲	۴۹/۷	۵۱/۷	۶۳/۳	۶۷/۹	۷۴/۹	۷۹

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April-June) 2001, p.15.

در سرمایه‌گذاری‌های کلان نیز تغییرات ساختاری صورت گرفت و سهم بودجه دولت و مردم در این سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافت. حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سرمایه‌گذاری‌های کلان به علت کاهش، ۳ برابر اعتباراتی است که از طریق سیستم مدیریت اصلی دریافت می‌شدند. ارمنستان از سال ۱۹۷۴ کشور صادرکننده بود و درآمدهای ملی حاصله کاملاً نیازمندی‌های این کشور را پوشش می‌داد و تراز تجاری با جمهوری‌های دیگر مثبت بوده است. اما از سال ۱۹۸۸ این کشور بیشتر از آنچه که تولید کند، مصرف کرده است. (۱۸)

توسعه بودجه و نظام درآمدی نیز جزو محدوده اصلی سیاست اقتصاد کلان دولت ارمنستان قرار گرفت و برای افزایش درآمدهای بودجه، پایه‌های مالیاتی توسعه یافت. با این همه هنوز در بخش بودجه، کسری زیادی وجود دارد و هیچ مکانیزم مؤثری برای تضمین جذب درآمدهای مالیاتی توسط دولت این کشور به اجرا درنیامده و مالیات‌ها تنها ۷/۶ درصد از

درآمدهای بودجه را به خود اختصاص داده‌اند. ساختار بودجه ارمنستان در سال ۲۰۰۰ به این صورت بوده است: درآمد بودجه: ۲۰۱۸۶۹۴۹۰۰۰۰ (۳۶۷ میلیون دلار)، هزینه‌ها: ۲۵۴۱۹۴۳۹۶۰۰۰ (۴۶۲ میلیون دلار) و کسری بودجه: ۵۲۳۲۴۹۰۶۰۰۰ (۹۵/۱ میلیون دلار) ساختار بودجه در سال ۲۰۰۱ نیز نشان می‌دهد در میزان درآمد، هزینه‌ها و کسری بودجه نسبت به سال ۲۰۰۰ کاهش به وجود آمده است. درآمد بودجه: ۱۹۵ میلیارد درام (۳۵۴/۵ میلیون دلار)، هزینه‌ها: ۲۴۱ میلیارد درام (۴۳۸/۱ میلیون دلار)، کسری بودجه: ۵۰ میلیارد درام (۹۰/۰ میلیون دلار)

در توجیه علل این کاهش می‌توان تأثیرات حمله مسلحانه به مجلس ملی ارمنستان در ۱۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ و ایجاد بی‌ثباتی و تغییر دو دولت در این کشور را به عنوان عامل مهم در این زمینه دانست. این حادثه باعث گردید که تنش زیادی بین جناح رئیس جمهور ارمنستان از یک سو و نمایندگان جناح مخالف در مجلس ملی این کشور که رهبران خود را از دست داده بودند به همراه برخی از اعضای دولت از سوی دیگر به وجود آید که تا ۶ ماه بعد ادامه داشت. افزایش چالش بین جناح‌های مختلف سیاسی در ارمنستان سبب شد که رشد اقتصادی در ۶ ماه دوم سال ۱۹۹۹ منفی گردد. تأثیر اختلافات سیاسی بر اقتصاد این کشور در ماه‌های اولیه سال ۲۰۰۰ نیز مشهود بود.

همچنین از سال ۱۹۹۶ در راستای اجرای دقیق و کامل اقتصاد متکی بر بازار آزاد در ارمنستان سطح نسبتاً ثابت قیمت‌ها برقرار شد. اثبات بارز این امر آن است که کاهش آشکار ارزش روبل در روسیه در ماه اوت سال ۱۹۹۸ بر قیمت‌ها و تعرفه‌ها در بازار مصرفی ارمنستان تأثیر محسوسی نداشت. در دسامبر سال ۱۹۹۸ در مقایسه با سال ۱۹۹۷ برای اولین بار طی این سالها شاخص قیمت‌های مصرفی ۱/۳ درصد کاهش یافت. شاخص قیمت‌های مصرفی در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۱۰۰/۴ درصد بود که نسبت به رقم سال گذشته (سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۱۰۲۰/۰ درصد بوده است) حدود ۱/۶ درصد کاهش نشان می‌داد.

بخش‌های مختلف اقتصادی ارمنستان هم در ده سال اخیر، نوسانات زیادی را شاهد

بودند. بخش صنعت این کشور دچار رکود شدیدی شده و فعالیت واحدهای تولیدی بسیاری متوقف گشت. تولیدات این بخش در سالهای حکومت شوروی سابق، دوسوم تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده بود، ولی امروزه حجم تولیدات آن به سختی به یک چهارم تولید ناخالص داخلی می‌رسد. به‌رغم این که در سال ۲۰۰۰ رشد صنعتی بالغ بر ۱۰/۴ درصد ثبت شده، ولی هنوز در مقایسه با سال ۱۹۹۰ در صنایع حجم تولیدات به‌طور محسوس کاهش یافته‌است. این کاهش به‌ویژه در سال ۱۹۹۲ زیاد بوده، به طوری که حجم تولیدات در مقایسه با سال ۱۹۹۱ حدود ۲ برابر کاهش داشته است. در کل ساختار تولیدات صنعتی ۳۲/۲ درصد متعلق به بخش انرژی، ۳/۹ درصد متعلق به صنایع فلزی و معادن و ۶۳/۸ درصد متعلق به صنایع فراورش است (از جمله ۳۸/۸ درصد مواد غذایی). برای نمونه کل حجم تولیدات بخش انرژی در سال ۲۰۰۰ بیش از ۵۰ درصد سال ۱۹۹۰ نمی‌باشد. افزون بر آن سیستم انرژی این کشور نیازمند تجهیز و نوسازی است؛ زیرا شبکه‌های توزیع مطابق نیازهای کنونی آن نمی‌باشند. در زمینه صنعت، مشکلات زیادی فرآوری این کشور قرار دارد. (۱۹)

کشاورزی تنها بخش اقتصاد ارمنستان است که در آن سطح تولیدات در سال ۱۹۹۹ بیشتر از شاخص مربوطه در سال ۱۹۹۰ بوده است. (حدود ۳۹ درصد بیشتر) آهنگ توسعه در کشاورزی طی ده سال اخیر با روند خصوصی‌سازی در این عرصه که از سال ۱۹۹۱ شروع و تاکنون ادامه دارد، وابسته بوده است. رکود تولید ناخالص کشاورزی در سال ۱۹۹۴ متوقف شد. در سال ۱۹۹۹ تولید ناخالص کشاورزی بالغ بر ۹۸ درصد میزان سال ۱۹۹۱ بود. در همین حال، تولید ناخالص کشاورزی در سال ۲۰۰۰ نسبت به سال ۱۹۹۹ حدود ۲/۵ درصد کاهش یافت. زیرا علوفه و گیاهان در پی خشکسالی کاهش یافته بودند. وزن مخصوص بخش خصوصی در تولید ناخالص کشاورزی در سال ۱۹۹۹، در مقابل ۲۴ درصد سال ۱۹۹۱، به بیش از ۹۹ درصد رسید. تغییرات بزرگ ساختاری در اقتصاد ارمنستان بر فعالیت حمل و نقل نیز تأثیر گذاشت. از سال ۱۹۹۲ حجم حمل و نقل با وسایط نقلیه عمومی به شدت کاهش و در مقابل حجم حمل و نقل هوایی به‌طور آشکار افزایش یافت که این امر با افزایش حجم بارهایی که از

سوی کشورهای کمک‌کننده خارجی وارد می‌شده، بستگی داشت. در زمینه مخابرات «مکالمات» تلفنی بین شهری و بین‌المللی در سال ۱۹۹۲، در مقایسه با سال ۱۹۹۱ حدود ۶/۵ درصد افزایش یافته است. ولی در سالهای ۹۵-۱۹۹۳ در مقایسه با سال ۱۹۹۲، به علت بحران و خرابی دستگاه‌ها، این شاخص کاهش یافت. ولی در سالهای بعد با بهینه‌سازی تجهیزات، این بخش رشد نموده و کماکان رشد می‌کند. در سال ۱۹۹۸ در مقایسه با سال ۱۹۹۵ این رقم ۳/۳ برابر افزایش یافت. (۲۰)

بنابراین در اثر اصلاحات اقتصادی به عمل آمده برای ایجاد اقتصاد بازار، نه تنها باعث کاهش رکود بازار، بلکه سبب تضمین رشد نیز شد. رشد اقتصادی در ۸ ماهه اول سال ۲۰۰۱ نیز معادل ۷/۷ درصد بود. رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۱ را می‌توان به دو عامل مهم که در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ از سوی مقامات ارمنی دنبال می‌شد، نسبت داد. این دو عامل عبارت بودند از: اول، تولید کالاهای جانشین وارداتی و دوم، شکل‌گیری پس‌انداز داخلی. همچنین تلاشهای دولت ارمنستان برای تضمین روند‌گذار به اقتصاد بازار به صورت وسیع توسط سازمانهای مالی بین‌المللی و کشورهای خارجی مورد مساعدت قرار گرفت که در این میان شماری از برنامه‌ها و طرحهای مشترک توسط دولت و صندوق بین‌المللی پول انجام گرفته‌اند. این مسأله باعث بالا رفتن سطح بدهی‌های خارجی این کشور طی سالهای ۹۷-۱۹۹۴ شد که این روند در سالهای بعد نیز ادامه یافت. (۲۱)

اقتصاد ارمنستان طی ده سال پس از استقلال دچار تحولات ساختاری اساسی گردید و به عنوان مهمترین چرخش می‌توان از تغییر اتکای اقتصاد کشور از بخش صنعت به بخش کشاورزی یاد نمود. به عبارت دیگر عدم توازن ساختاری در اقتصاد این کشور باعث رشد نسبتاً نامحسوس درآمدهای واقعی در عرصه کشاورزی شد. در عین حال رشد واقعی این بخش به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از رشد کلی اقتصاد است. در حالی که رشد بخش کشاورزی در طول سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۶ به میزان ۱۴ درصد بوده، رشد اقتصادی در همان مقطع ۲۸ درصد ثبت شده است. در همین راستا، در بخش کشاورزی درآمدهای اسمی در سالهای مذکور بیشتر از

۱۹ درصد رشد نداشته، در حالی که درآمد اسمی کل اقتصاد در طی این مدت حدود ۹۸ درصد رشد کرده است. همچنین در سالهای اخیر در ساختار تولید ناخالص ملی ارمنستان بخشهای ساختمان‌سازی، حمل و نقل و مخابرات نیز رشد زیادی از خود نشان دادند.

تجارت خارجی

جمهوری ارمنستان بعد از استقلال خود دارای اقتصاد خارجی مستقل گردید و اقتصاد خارجی آن به صورت یکی از عوامل مهم توسعه این جمهوری درآمد. حرکت در روابط اقتصاد خارجی جمهوری ارمنستان با تدوین قوانین اقتصادی جدید و آیین‌نامه‌های مربوطه آغاز شد که مسایل اساسی تنظیم عملکردهای اقتصاد خارجی مؤسسات و سازمانها را نیز در بر می‌گرفت. در این میان موقعیت و نقش قانون «خصوصی‌سازی» در جمهوری ارمنستان در مورد هویت حقوقی مالکیت مؤسسات مشترک سایر کشورها و مؤسسات خارجی بسیار حائز اهمیت بود. ولی در این جمهوری به تناسب اقتصاد بازار آزاد فعالیتهای مورد لزوم مشاهده نمی‌شود. عدم توازن مناسب بین صادرات و واردات و در ساختار کالا و جغرافیا گویای این امر می‌باشد. طی سالهای ۹۹-۱۹۹۳ گردش کالای خارجی جمهوری ارمنستان ۲/۵ بار (واردات بیشتر از سه بار و صادرات ۱/۵ بار) افزایش یافته‌اند. چنانچه در سال ۱۹۹۳ صادرات در مجموع گردش کالا ۳۸ درصد و واردات ۶۲ درصد را تشکیل می‌دادند. این ارقام در سال ۱۹۹۸ به نقطه اوج خود رسیدند که به ترتیب ۲۰ درصد و ۸۰ درصد را شامل می‌گردید. بعد از آن به میزان ناچیزی افزایش در بخش صادرات و بالطبع کمی کاهش در واردات مشاهده شد. به‌عنوان مثال در سالهای ۹۸-۹۶ صادرات این کشور از ۲۹۰/۴ میلیون دلار به ۲۲۸/۹ میلیون دلار کاهش پیدا کرد.

علاوه بر دخیل بودن مشکلات ساختاری اقتصاد در این کاهش، عدم رقابتی بودن کالاهای ساخته شده در بازارهای جهانی نیز در این مورد مؤثر بوده است. در سال ۹۹ میزان صادرات به ۲۴۷/۶ میلیون دلار بالغ شد که بیشتر به دلیل این که کالاهای گرانبیقیمت (الماس و جواهرات)، سنگهای قیمتی و آهن قراضه را شامل می‌گردید، به‌دست آمد. ارزش کالاهای

وارداتی در طول سالهای ۹۸-۱۹۹۶ از ۷۵۹/۶ میلیون دلار به ۸۰۶/۴ میلیون دلار رسید. اما در سال ۹۹ میزان واردات کالا به شدت کاهش یافت و به سطح ۷۰۸ میلیون دلار رسید که بیشتر به خاطر کاهش ارزش واقعی قیمت کالاهای وارداتی، تعویق اعطای اعتبارات سازمانهای پولی و مالی بین‌المللی برای ترمیم بودجه و کاهش روند اعطای وام به ارمنستان بوده است. به ویژه تعویق پرداخت دومین مرحله از وام بانک جهانی تحت عنوان اعتبار تعدیل ساختاری (SAC) به میزان ۵۰ میلیون دلار در این تنزل مؤثر بود. روند تعویق اعطای اعتبارات توسط بانک جهانی در سالهای بعد نیز ادامه یافت. بالا بودن میزان واردات نسبت به صادرات در طول این سالها باعث کسری حساب جاری گردید. این کسری در سال ۹۶ از ۴۰۷/۸ میلیون دلار به ۵۱۵/۲ میلیون دلار در سال ۹۸ رسید که به ترتیب ۲۵/۵ درصد و ۲۷/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد. تراز منفی در ظرف سالهای ۹۹-۱۹۹۳ تقریباً ۶ بار افزایش و مبلغ ۵۶۸/۲ میلیون دلار آمریکا رسید. (۲۲)

تغییر در شرکای عمده تجاری نیز در این بخش قابل توجه می‌باشد و در مجموع گردش کالای خارجی جمهوری ارمنستان با کشورهای دیگر، بتدریج سهم کشورهای خارج دور بیشتر می‌شود. بدین ترتیب که در سالهای اخیر جهت‌گیری تجارت خارجی ارمنستان از کشورهای CIS به سمت کشورهای دیگر تغییر یافته است. قابل ذکر است در سال ۱۹۹۳ حجم تجارت خارجی ارمنستان با دیگر کشورها ۲۸ درصد بود، ولی در سال ۱۹۹۹ به ۷۹/۶ درصد رسید. ضمناً در همین سال حجم صادرات به کشورهای CIS حدود ۲ برابر و حجم واردات از کشورهای CIS حدود ۳ برابر کاهش یافت. طی سالهای ۹۹-۱۹۹۳ میزان گردش کالا با کشورهای خارج دور و زمانی که گردش کالا با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع ۲۰ درصد کاهش یافته بود، تقریباً ۷ برابر افزایش یافت. در زمان یاد شده میزان واردات از کشورهای خارج دور ۷/۳ بار افزایش داشته، در صورتی که این افزایش در میان کشورهای جامعه مشترک‌المنافع تنها ۴/۴ درصد بوده است. احتمال دارد که روابط سنتی موجود با این کشورها امکان افزایش صادرات را باعث شود، اما این امر ممکن است به کاهش کسری تراز تجاری کمک نماید.

روسیه در میان کشورهای جامعه مستقل مشترک‌المنافع، عمده‌ترین همکار تجاری ارمنستان می‌باشد. با این حال، سهم این کشور هم در صادرات و هم در واردات این جمهوری روبه کاهش بوده است. چنانچه در سال ۱۹۹۳ روسیه در صادرات ارمنستان ۳۷ درصد سهم داشت، در حالی که در سال ۱۹۹۹ این رقم به ۱۸ درصد کاهش یافت. این رقم در واردات به ترتیب ۳۱ درصد و ۱۷ درصد بوده است. در میان کشورهای جامعه مشترک‌المنافع می‌توان به ترتیب از گرجستان، ترکمنستان، بلاروس، اوکراین و قزاقستان به‌عنوان همکار تجاری جمهوری ارمنستان یاد نمود.

در میان کشورهای خارج دور یعنی کشورهای غیر از CIS، بلژیک، ایران و آمریکا سهم بزرگی را در صادرات ارمنستان به خود اختصاص داده‌اند. سهم کشورمان از ۳/۵ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۱۴/۷ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است. در عرصه واردات به جمهوری ارمنستان نیز کشورهای امارات متحده عربی، ترکیه، انگلیس و آلمان سهم مشخصی را دارا می‌باشند. (۳۳)

حجم مبادلات تجاری ارمنستان در نیمه اول سال ۲۰۰۱ نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۰ به میزان ۴/۷ درصد کاهش یافته و این امر به خاطر کاهش حجم تجارت خارجی این کشور با کشورهای خارج دور صورت گرفت. به‌عنوان مثال، حجم مبادلات با کشورهای اتحادیه اروپایی به میزان ۲۶ درصد کاهش یافت. برعکس حجم مبادلات تجاری با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (مخصوصاً روسیه و اوکراین) افزایش محسوسی داشت. حجم صادرات ارمنستان به کشورهای فوق نیز در نیمه اول ۲۰۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است (۴۸/۵ درصد) در حالی که این امر در خصوص کشورهای دیگر کاهش نشان می‌دهد.

آمار جدول شماره ۷ که از سوی برنامه تاسیس (TACIS) و مؤسسه خدمات ملی آمار جمهوری ارمنستان منتشر شده، نشان می‌دهد که در نیمه اول سال ۲۰۰۱ کسری تجاری این کشور به‌طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۰ کاهش داشته است. (در حدود ۱۸/۳ درصد) این بهبود وضعیت به خاطر افزایش صادرات (۹/۳ درصد) بود در حالی که میزان واردات کاهش یافته است. (۹/۲ درصد)

جدول شماره ۷- مبادلات تجاری و تراز تجاری ارمنستان طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۸

سال	حجم مبادلات تجاری (میلیون دلار)					تراز تجاری (میلیون دلار)				
	۹۸	۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۹۸	۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
مجموع	۱۱۲۲/۹	۱۰۴۲/۹	۱۱۸۵/۲	۵۷۸/۱	۵۵۱/۱	۶۸۱/۹	۵۷۹/۶	۵۴۸/۲	۲۳۹/۱	۲۳۹/۵
کشورهای CIS	۳۱۰/۷	۲۴۳/۵	۲۴۷	۱۱۹/۶	۱۳۷/۶	۱۲۹/۷	۱۳۰/۸	۱۰۰/۳	۵۶/۲	۴۳/۴
روسیه	۲۳۱/۴	۱۸۳/۷	۱۸۱/۷	۸۳/۷	۹۹	۱۵۱/۲	۱۱۶/۰	۹۲/۶	۴۹/۹	۴۴/۵
ترکمنستان	۲۳/۳	۶/۸	۶/۷	۳/۵	۰/۹	۲۲/۲	۵/۳	۴/۴	۲/۲	۰/۵
گرجستان	۳۶/۴	۳۸/۰	۳۵/۸	۲۱/۴	۱۸/۴	۱۷/۳	۱۵/۸	۳/۸	۴/۴	۲
دیگر کشورهای CIS	۱۹/۷	۱۵/۰	۲۲/۸	۱۱/۱	۱۹/۳	۳/۲	۴/۳	۸/۲	۴	۱/۵
کشورهای خارج از CIS	۸۱۲/۲	۷۹۹/۴	۹۳۷/۲	۳۵۱/۲	۴۱۳/۵	۵۳۲/۲	۴۴۸/۸	۴۸۴/۰	۲۳۶/۸	۱۹۶/۱
کشورهای EU	۳۳۵/۴	۳۵۹/۴	۴۰۹/۸	۲۱۱/۸	۱۵۶/۱	۱۸۲/۸	۱۴۶/۳	۱۹۵/۸	۹۳/۰	۷۵/۲
بلژیک	۱۰۴/۵	۱۶۹/۴	۱۵۹/۴	۹۳/۷	۴۷/۱	۴/۸	۱/۰	۹/۳	۶/۶	۱/۲
آلمان	۴۳/۳	۴۴/۴	۴۹/۴	۲۲/۹	۱۷/۳	۲۴/۷	۲۴/۰	۲۳/۶	۱۰/۱	۷/۹
ایتالیا	۳۵/۰	۲۵/۲	۲۸/۴	۱۴/۱	۱۷/۰	۲۴/۲	۲۲/۳	۲۳/۰	۱۱/۸	۱۳/۲
هلند	۱۷/۶	۵/۶	۱۵/۱	۱۰/۵	۴/۵	۱/۷	۴/۷	۹/۸	۹/۰	۲/۶
انگلیس	۷۷/۲	۷۶/۵	۶۹/۶	۲۶/۶	۴۳/۱	۶۱/۰	۵۷/۶	۴۹/۴	۱۶/۳	۲۸/۵
یونان	۹/۴	۱۳/۲	۵۷/۰	۳۰/۷	۸/۸	۸/۹	۱۲/۹	۵/۰	۲۶/۳	۵/۷
کشورهای دیگر	۴۸/۴	۲۵/۱	۳۱/۰	۳۰/۶	۱۸/۳	۴۷/۵	۲۳/۹	۲۹/۷	۱۲/۹	۱۶/۰
کشورهای دیگر از جمله سوئیس	۲۷۶/۸	۴۴۰/۰	۵۲۸/۴	۲۴۶/۶	۲۵۷/۴	۳۲۹/۴	۳۰۲/۵	۲۸۸/۲	۱۴۳/۸	۱۲۰/۹
سوئیس	۲۸/۱	۲۰/۲	۳۱/۷	۱۰/۵	۲۱/۱	۲۳/۲	۱۲/۷	۱۴/۱	۴/۴	۱۲/۸
ایران	۹۵/۳	۱۱۲/۶	۱۱۲/۴	۵۲/۱	۵۳/۰	۳۲/۵	۴۴/۳	۰/۳	۱۷/۳	۲۳/۹
ترکیه	۵۹/۸	۴۱/۳	۴۲/۰	۱۹/۲	۱۵/۶	۵۳/۸	۳۹/۰	۳۸/۹	۱۸/۰	۱۴/۵
آمارات متحده	۵۸/۲	۴۲/۸	۴۷/۲	۲۱/۶	۲۳/۱	۵۰/۸	۳۷/۶	۳۶/۲	۱۷/۱	۱۷/۸
آمریکا	۱۰۷/۹	۱۰۱/۷	۱۴۰/۵	۶۴/۵	۵۷/۴	۸۴/۷	۶۹/۷	۶۴/۸	۴۱/۰	۱۹/۰
کشورهای دیگر	۱۲۷/۶	۱۲۱/۵	۱۵۴/۵	۷۸/۸	۸۷/۲	۱۰۴/۴	۹۹/۳	۸۱/۹	۴۶/۱	۳۲/۹

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April - June) 2001, p.92

حجم مبادلات خارجی ارمنستان طی شش ماهه اول سال ۲۰۰۱ به میزان ۵۵۱ میلیون دلار بوده که از این میزان ۱۵۶ میلیون دلار صادرات و ۳۹۵ میلیون دلار واردات این کشور از سایر کشورها بوده است. کل حجم مبادلات خارجی این کشور در مدت مشابه در سال ۲۰۰۰ به میزان ۵۷۸ میلیون دلار بوده است. تراز تجارت خارجی این کشور در شش ماهه اول ۲۰۰۱ حدود ۲۳۹/۵- میلیون دلار و در مدت مشابه سال قبل ۲۳۹/۱- میلیون دلار بوده است. در میان شرکای عمده تجاری ارمنستان در شش ماهه اول سال ۲۰۰۱، روسیه همچنان جایگاه اول را در تجارت خارجی این کشور با حدود ۹۹ میلیون دلار به خود اختصاص داده است. بعد از روسیه، کشور آمریکا و ایران قرار گرفته‌اند. (۲۴)

در پایان این بحث باید خاطر نشان ساخت که روابط اقتصاد خارجی ارمنستان تأثیر زیادی بر سیاست اقتصاد داخلی آن کشور دارد. از زمان استقلال، تلاش دولت‌های ارمنی برای ایجاد اقتصادی هدفمند، توسعه همه‌جانبه‌ساز و کارهای بازار و ایجاد روابط دوجانبه اقتصادی و تجاری با کشورهای خارجی بوده است. وخیم شدن اوضاع اقتصادی ارمنستان در اوایل استقلال موجب تغییر رفتار و جهت‌گیری روابط اقتصاد خارجی این کشور با کشورهای خارجی گردید و سهم کشورهای خارج دور نسبت به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع افزایش یافت. از سوی دیگر اجرای اصلاحات اقتصادی موجب گردید که رویکرد درون‌نگر در اقتصاد به رویکرد برون‌نگر تغییر یابد؛ زیرا پس از سال ۱۹۹۱، دولت این کشور به این نکته پی برد که پیش شرط گذار از دوران انتقالی، ادغام اقتصاد کشور در سیستم تجاری دنیا و پیروی از سیستم اقتصاد بازار است.

سرمایه‌گذاری خارجی

حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای قفقاز به‌طور اعم و ارمنستان به‌طور اخص

به دلیل وجود بی ثباتی داخلی و منازعات قومی نسبت به سایر نقاط جهان دارای رشد قابل ملاحظه نمی باشد. در حالی که وجود منابع بکر در منطقه قفقاز جنوبی شرایط مناسبی را برای افزایش سرمایه گذاری های خارجی دارا می باشد. از سوی دیگر حجم سرمایه گذاری های خارجی در ارمنستان نسبت به جمهوری آذربایجان و گرجستان رشد کمتری در سالهای پس از استقلال داشته است. براساس آمار و ارقام جدول شماره ۸ حجم مبلغ سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در ارمنستان در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با سال گذشته به میزان ۲۵ درصد افزایش یافته و بالغ بر ۱۴۰/۶ میلیون دلار می باشد. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سه ماهه اول ۲۰۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳/۶ درصد کاهش یافته است. کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در سه ماهه اول ۲۰۰۱ حدود ۳۵/۷ میلیون دلار بوده است. بیشترین میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ارمنستان در سال ۱۹۹۸ به میزان ۲۲۰/۸ میلیون دلار انجام شده و کمترین آن در سال ۱۹۹۶ به میزان ۱۷/۶ میلیون دلار بوده است. میزان سرمایه گذاری در سالهای بعد یعنی ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به شدت کاهش یافت و به ترتیب به میزان ۱۲۲ میلیون دلار و ۱۰۴/۲ میلیون دلار رسید. بروز اختلافات شدید سیاسی به علت حادثه حمله به مجلس ملی ارمنستان و برهم خوردن ثبات داخلی این کشور و ناکام ماندن روند مذاکرات حل و فصل مناقشه قره باغ از علل عمده این کاهش محسوب می شوند. تا سه ماهه اول سال ۲۰۰۱ کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی انجام شده در ارمنستان، بالغ بر ۵۷۹ میلیون دلار بوده است.

جدول شماره ۸ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۲۰۰۱-۱۹۹۸

سه‌ماهه اول ۲۰۰۱-۲۰۰۰	سه‌ماهه اول ۲۰۰۱	سه‌ماهه اول ۲۰۰۰	۲۰۰۰	۹۹	۹۸	
سه‌ماهه اول ۲۰۰۰ درصد	۲۰۰۱	۲۰۰۰				
-۱۸/۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته از سوی کشورها (درصد از کل)						
۲۴/۳	۶۱/۶	۴۰/۳	۳۵/۹	۳۲/۹	۱۸/۶	روسیه
-۱۴/۴	۳۰/۰	۲۸/۵	۳۲/۳	۹/۰	۳۳/۵	یونان
-۹۷/۷	۰/۳	۱۰/۷	۹/۰	۸/۳	۱۳/۴	کانادا
-۵۸/۶	۳/۷	۷/۴	۶/۳	۳/۴	۱۵/۳	آمریکا
-۹۶/۰	۰/۲	۴/۷	۲/۳	۸/۳	۳/۶	لوکزامبورگ
-۹۵/۸	۰/۲	۳/۶	۴	۳/۷	۰/۲	ایتالیا
-۱۰۰/۰	۰/۰	۳/۴	۲/۵	۱۹/۶	۷/۰	فرانسه
۰/۰	۰/۰	۰/۸	۱/۴	۲/۴	۲/۹	قبرس
۱۰۸/۲	۰/۷	۰/۳	۰/۷	۰/۴	۰/۲	هلند
۱۰۶/۸	۲/۲	۰/۰	۰/۴	۶/۷	۱/۷	انگلستان
۲۹۴/۲	۰/۹	۰/۲				ایرلند
-۵۴/۳	۱/۰	۰/۳	۵/۰	۳/۴	۳/۸	دیگر کشورها

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April-June- 2001, p.90.

عمده‌ترین کشورهای سرمایه‌گذار، روسیه (۶۱/۶ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته)، یونان (۳۰ درصد) و آمریکا (۳/۷ درصد) می‌باشند. بیشتر

سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته نیز در بخشهای تأمین انرژی، گاز و آب (۵۲/۸ درصد)، ارتباطات (۲۹/۹ درصد) و فلزات (۶ درصد) بوده است. ۸۲/۱۸۳ میلیون دلار در بخش خدمات، ۴۱/۷۵۵ میلیون دلار در بخش صنایع و انرژی و ۱۶/۷۱۱ میلیون دلار در بخش تجارت سرمایه‌گذاری شده‌اند. (۲۵)

باید خاطر نشان ساخت که به‌رغم قوانین و مقررات بسیار مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای تسهیلات زیاد به سرمایه‌گذاران خارجی، به علت مشکلات ساختاری اقتصاد ارمنستان و نفوذ مافیای اقتصادی در این کشور و موانعی که در فوق به آن اشاره شد، در دوران اصلاحات، سرمایه‌گذاری خارجی رشد چندانی پیدا نکرد. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ارمنستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان و گرجستان نیز بسیار پایین است.

بدهی خارجی ارمنستان

از ابتدای استقلال این کشور از سازمانهای پولی و مالی بین‌المللی و کشورهای دیگر وام‌هایی را دریافت نموده که میزان آن در سالهای اخیر به شدت افزایش یافته است. برای مثال، میزان بدهی خارجی ارمنستان در طول سالهای ۹۹-۱۹۹۷ شاهد افزایش بود. آمار جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که بدهی ناخالص عمومی در سالهای ۹۷ و ۹۸ به ترتیب ۴۱/۷ درصد و ۴۰/۸ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۹ میزان بدهی خارجی نسبت به سال قبل ۴۵/۸ درصد افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۰ این افزایش به سطح ۴۷/۱ درصد بالغ گردید. در شش ماهه اول ۲۰۰۱ حجم بدهی ارمنستان (شامل تعهدات دولت و بانک مرکزی) بالغ بر ۸۳۹ میلیون دلار شد. سهم بدهی خارجی در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ به میزان ۴۳/۱ درصد است که حدود ۰/۸ درصد از سال ۲۰۰۰ کمتر است. بدهی دولت از کل میزان بدهی ناخالص خارجی حدود ۷۹ درصد است که حدود ۱/۶ درصد بالاتر از میزانی است که در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۰ ثبت شده است.

جدول شماره ۹ - بدهی خارجی ارمنستان ۲۰۰۱-۱۹۹۶ (میلیون دلار)

مجموع	دیگر دریافتی‌ها	بدهی دولت	
۵۵۲/۱	۱۱۴/۴	۴۰۷/۸	۱۹۹۶
۶۴۰/۵	۱۳۷/۱	۵۰۳/۴	۱۹۹۷
۷۳۸/۸	۱۹۱/۹	۵۴۶/۹	۱۹۹۸
۷۳۶/۶	۱۸۲/۸	۵۵۳/۷	سه ماهه اول ۹۹
۷۴۲/۳	۱۷۸/۶	۵۶۳/۷	سه ماهه دوم ۹۹
۷۸۵/۰	۱۸۱/۲	۶۰۳/۸	سه ماهه سوم ۹۹
۸۴۰/۶	۲۰۱/۲	۶۳۹/۳	سه ماهه چهارم ۹۹
۸۲۸/۵	۱۹۳/۳	۶۳۵/۲	سه ماهه اول ۲۰۰۰
۸۲۸/۲	۱۸۷/۸	۶۴۰/۴	سه ماهه دوم ۲۰۰۰
۸۱۹/۰	۱۷۸/۲	۶۴۰/۷	سه ماهه سوم ۲۰۰۰
۸۴۰/۴	۱۷۵/۵	۶۶۴/۹	سه ماهه چهارم ۲۰۰۰
۸۲۹/۸	۱۶۸/۰	۶۶۱/۸	سه ماهه اول ۲۰۰۱
۸۳۹/۰	۱۷۶/۷	۶۶۲/۳	سه ماهه دوم ۲۰۰۱

منبع: Armenia Economic Trends, Quarterly Issue (April - June) 2001, p.91.

بیشترین بدهی ارمنستان در نیمه اول ۲۰۰۱ به اعتباردهندگان چندجانبه (به صورت اساسی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) حدود ۷۸/۴ درصد از کل بدهی بوده که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۰ تغییری نداشته است. به صورت دوجانبه قرض‌دهندگان اصلی، روسیه و آمریکا به ترتیب با ۱۱/۵ درصد و ۷/۴ درصد از کل بدهی خارجی ارمنستان بوده‌اند. سهم روسیه در قسمت بدهی خارجی ارمنستان به میزان ۱/۶ درصد نسبت به مدت مشابه در

سال ۲۰۰۰ کاهش پیدا کرده است در حالی که سهم آمریکا در این قسمت به میزان ۱ درصد افزایش یافته است. بنابراین بستانکاران اصلی جمهوری ارمنستان به شرح زیر هستند: بانک جهانی - ۳۹۷ میلیون و ۹۴۶ هزار دلار، بانک اروپایی بازسازی و توسعه - ۳۴ میلیون و ۳۷۸ هزار دلار، بنیاد بین‌المللی توسعه کشاورزی - ۱۹ میلیون و ۴۹۶ هزار دلار. همچنین بدهی ارمنستان به اتحادیه اروپایی بالغ بر ۲۱/۴ میلیون دلار، به روسیه ۱۰۸/۴۹ میلیون دلار، به آمریکا ۵۷ میلیون و ۶۵۶ هزار دلار، به ترکمنستان ۲ میلیون و ۴۶۹ هزار دلار است. بدهی بانک مرکزی ارمنستان به صندوق بین‌المللی پول نیز بالغ بر ۱۷۵ میلیون و ۶۹۴ هزار دلار می‌باشد. بازپرداخت این وام‌ها از سال ۲۰۰۱ شروع شده است و ارمنستان می‌بایست مبلغ ۵۵/۲ میلیون دلار از بدهی خود را در این سال پرداخت می‌کرد. بازپرداخت بدهی خارجی در سال ۲۰۰۲ نیز بالغ بر ۶۴/۴۴ میلیون دلار و در سال ۲۰۰۳ هم ۶۷/۶ میلیون دلار بود. براساس پیش‌بینی وزارت اقتصادی و دارایی جمهوری ارمنستان در سال ۲۰۰۲ بدهی خارجی این کشور بالغ بر ۹۹۵ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار بود. در سال ۲۰۰۳ نیز میزان بدهی‌ها از حد نصاب یک میلیارد عبور کرده و بالغ بر ۱ میلیارد و ۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار خواهد بود. (۲۶)

با توجه به مطالب فوق و با عنایت به میزان تجارت خارجی ارمنستان که واردات ۴ برابر صادرات می‌باشد، می‌توان استنتاج نمود که به علت شکاف عمیق بین صادرات و واردات، این کشور در بازپرداخت بدهی‌های خارجی خود با مشکل مواجه خواهد شد.

مبحث چهارم - موانع موجود بر سر راه اصلاحات اقتصادی

به‌رغم تغییر و تحولات مثبت در اقتصاد ارمنستان، مسایل و مشکلات اساسی بیشماری به صورت حل نشده پیش روی این کشور باقی مانده‌اند. مشکلات و موانع اصلی در سر راه توسعه ارمنستان در اوایل استقلال و سالهای بعد از آن را می‌توان به‌طور عمده ناشی از عوامل زیر دانست:

مشکلات ساختاری اقتصاد ارمنستان: مهمترین مشکل اقتصادی ارمنستان در زمان استقلال، ساختار بجامانده از دوره اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که تأثیرات آن هنوز در بخشهای مختلف این کشور پابرجاست. این عامل ماهیتاً برای کلیه کشورهای تازه استقلال یافته و از جمله کشورهای قفقاز جنبه عام دارد. کشورهای قفقاز جنوبی یک دوره تحولات فوق العاده سریع، عمیق و غیرمنتظره را طی چند سال اخیر تجربه کرده‌اند و بعد از استقلال خود که امری کاملاً غیر قابل پیش‌بینی بود، هیچ‌گونه آمادگی برای مقابله با مشکلاتی که همراه با دگرگونی‌های ساختاری بود، نداشتند. اقتصاد ارمنستان نیز تحت نظام سوسیالیستی مثل سایر جمهوری‌های شوروی سابق شدیداً در اقتصاد این کشور ادغام شده بود.

با نمایان شدن مشکلات اقتصادی در شوروی سابق در سال ۱۹۸۷، این مشکلات نیز در ارمنستان هویدا گردید و کاهش تولیدات و پایین آمدن تولید ناخالص داخلی را به همراه داشت. می‌توان مشکلات اقتصادی به ارث رسیده از دوره قبل را در موارد زیر خلاصه نمود: برهم خوردن سیستم اقتصاد سوسیالیستی و عدم آمادگی برای پذیرش اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و بروز نرخ تورم بالا، فقدان مدیریت و سیستم کنترل و نظارت بر واحدهای بزرگ اقتصادی که بسیاری از آنان به دلیل وضعیت موجود و کاهش انرژی از رونق و فعالیت باز ایستاده بودند، کاهش و قطع میزان سرمایه در کارخانجات و مراکز تولیدی و کاهش شدید تولیدات، عدم تطبیق تکنولوژی موجود در بسیاری از کارخانجات با صنایع روز جهان، مهاجرت نیروی کار ماهر از کشور، قطع اتصال چرخه تولید کارخانجات این جمهوری با سایر کارخانجات حوزه شوروی سابق، شکل‌گیری مافیای اقتصادی به دلیل آغاز روند خصوصی‌سازی، از بین رفتن سیستم آبیاری کشاورزی صنعتی، تقسیم زمین‌های کشاورزی و مرغوب در راستای سیاست خصوصی‌سازی.

تطویل مناقشه قره‌باغ: عدم حل مناقشه قره‌باغ ضمن تأثیر منفی بر توسعه ارمنستان،

موجب گردید تا این اختلاف عمدتاً شکل اولیه خود را از دست بدهد و به مرور زمان بر تعداد بازیگران سیاسی که به نوعی از پایان یا حل نشدن بحران سود می‌برند، افزوده گردد.

به دلیل جنگ و درگیری بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر قره‌باغ و استمرار وضعیت نه جنگ و نه صلح، توان اقتصادی ارمنستان تحت‌الشعاع توان نظامی و سیاسی آن قرار گرفته است. به همین سبب لئون ترپتروسیان رئیس‌جمهور سابق ارمنستان به دنبال آن بود تا قره‌باغ را کنترل نموده، نفوذ ارمنستان را بر این منطقه افزایش دهد و از تأثیرگذاری قره‌باغ بر اوضاع داخلی کشورش و تبعات سوء‌فترت سیاست خارجی آن جلوگیری نماید. وی ضمن اشاره به عدم مطابقت الحاق یا استقلال قره‌باغ با واقعیات موجود و عدم شناسایی جمهوری خود خوانده قره‌باغ از سوی جامعه بین‌المللی، بر پیامدهای منفی حمایت مادی و معنوی ارمنستان از مبارزات جدایی‌طلبی و استقلال خواهی ارامنه قره‌باغ بر اقتصاد ناتوان کشورش تأکید و آن را علت اصلی نابسامانی اقتصادی در ارمنستان قلمداد می‌نمود. این سیاست و موضعگیری موجب گردید تا جناحهای سیاسی ارمنستان خواستار کناره‌گیری وی از ریاست جمهوری شوند. ولی طولی نکشید که روبرت کوچاریان رئیس‌جمهور فعلی ارمنستان نیز همچون سلف خویش (ترپتروسیان) به تدریج دریافت که برای توسعه اقتصادی نیاز به حل مناقشه قره‌باغ دارد. کوچاریان ضمن تلاش برای تسلط بر مقامات قره‌باغ و جلوگیری از تأثیر مسأله قره‌باغ بر سیاستهای داخلی و خارجی ارمنستان، تمایل خود را برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ اعلام نمود. بنابراین بار دیگر روند حل و فصل مناقشه فعال شد و تلاشهای کشورهای میانجی به ویژه آمریکا برای پایان دادن به این مناقشه طولانی مدت آغاز گردید. در اواسط سال ۱۹۹۹ و قبل از برگزاری اجلاس سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در استانبول ترکیه، اقدامات متعددی از سوی آمریکا برای حل بحران قره‌باغ صورت گرفت و پیش‌بینی می‌شد که در حاشیه این اجلاس دو طرف درگیر در مناقشه به راه‌حلی دست یابند. اما با وقوع حادثه حمله به مجلس ملی ارمنستان در ۱۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۹، روند حل و فصل مناقشه قره‌باغ برای چندمین بار با بن‌بست مواجه شد. در این خصوص عده‌ای از تحلیلگران مسایل منطقه قفقاز و مناقشات این منطقه،

حادثه ۲۷ اکتبر را با روند حل مناقشه قره‌باغ در ارتباط می‌دانستند.

به‌طور کلی در تحلیل عوامل مؤثر بر مناقشه قره‌باغ می‌توان سه عامل را ذکر نمود: عوامل داخلی در ارمنستان و جمهوری آذربایجان، عوامل منطقه‌ای و عوامل فرامنطقه‌ای. به نظر می‌رسد که عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیش از عوامل داخلی بر تداوم مناقشه تأثیر داشته و دارند؛ زیرا هر کدام از آنها بر اساس اهداف و منافع ملی خویش علاقمند به توسعه نفوذ خود در این نقطه از جهان می‌باشند. در واقع، همین منافع متفاوت و متضاد باعث دشوار شدن روند دستیابی به تفاهم و توافق بین طرفین درگیر و تطویل بحران شده است و هرچه بر تعداد بازیگران درگیر در بحران و پیچیدگی منافع آنها در منطقه افزوده می‌شود، امکان دسترسی به تفاهم و پایان بحران کمتر می‌گردد.^(۲۷) لذا به‌طور کلی می‌توان گفت علاوه بر لطمات شدید ناشی از مناقشه قره‌باغ بر اقتصاد ارمنستان اعم از نابودی صنایع و کاهش تولیدات، هزینه‌های عملیات جنگی و مشکلات ناشی از آوارگان، عدم حل این منازعه نیز خسارات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد این جمهوری وارد می‌کند و از رشد اقتصادی آن جلوگیری به عمل می‌آورد که مهمترین آن را می‌توان عدم سرمایه‌گذاری خارجی چشمگیر در منطقه و ارمنستان دانست. تأثیرات سیاسی و امنیتی عدم حل مناقشه نیز بر اقتصاد این کشور بسیار زیاد می‌باشد و این کشور را به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای مبدل ساخته است.

محاصره راه‌های ارمنستان

راه‌های زمینی (جاده‌ای و راه‌آهن) قفقاز دارای ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مخصوص به خود است. هریک از واحدهای سیاسی قفقاز بدون وجود واحد دیگر به سختی می‌تواند مسایل و مشکلات خود را حل کند. ارمنستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی از نظر ژئوپلیتیکی دارای محدودیت‌های بسیار می‌باشد و ناگزیر است در یک نظم منطقه‌ای علایق کشورهای پیرامون خود را مورد ملاحظه قرار دهد.^(۲۸) بنابراین، محاصره اقتصادی از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه در نتیجه جنگ قره‌باغ و قطع روابط با باکو، تأثیر مخربی بر اقتصاد ارمنستان

داشته؛ زیرا شاهراه‌های حمل و نقل ارمنستان، همچنین لوله‌های نفت و گاز روسیه از جمهوری آذربایجان عبور می‌کرده و ۸۰ درصد از انرژی ارمنستان از طریق این راه تأمین می‌شد. در حال حاضر با توجه به شرایط جغرافیایی این کشور و شرایط سیاسی منطقه، ارتباط ایروان با شرق و غرب خود قطع است. در پی این تحول، سیستم انرژی قفقاز جنوبی منهدم گردیده، خط انتقال برق در بسیاری از نقاط از بین رفته و سیستم‌های انرژی ارمنستان و گرجستان و جمهوری آذربایجان عملاً از هم جدا شده‌اند.^(۲۹) تا قبل از درگیری و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان که از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت وضعیت «نه جنگ و نه صلح» که از سال ۱۹۹۴ تاکنون ادامه دارد، ارتباط بین این دو جمهوری از دو طریق انجام می‌شد. بنابراین قطع خطوط ارتباطی با کشورهای همسایه از دیگر مشکلات بر سر راه اصلاحات اقتصادی ارمنستان می‌باشد که خود ناشی از طولانی شدن مناقشه قره‌باغ است. علاوه بر این، مناقشات آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان موجب بسته شدن شاهراه‌های حمل و نقل ارمنستان با روسیه گردیده است. به همین سبب ارمنستان به جنوب تکیه کرده است و با احداث پل بر روی رود ارس در منطقه نوردوز - مغری، ارتباط زمینی آن با جمهوری اسلامی ایران برقرار گردیده است.

تأثیرات زلزله سال ۱۹۸۸

آسیب‌های جدی ناشی از زمین‌لرزه دسامبر ۱۹۸۸ در منطقه اسپیتاک در شمال ارمنستان نیز که هنوز خرابی‌های آن ترمیم نشده، اصلاحات اقتصادی در این کشور را با مشکل مواجه ساخته است. این زلزله که موجب خساراتی به مبلغ بیش از ۱۲ میلیارد روبل و انهدام بیش از یک سوم از ظرفیت تولیدی این کشور گردید و بر زندگی یک میلیون نفر از جمعیت ۳/۵ میلیون نفری آن زمان این جمهوری تأثیرات مخربی را برجای گذاشت. خسارات به وجود آمده در بخش تولید مواد اولیه ۱/۹ میلیارد روبل و تولید کالاهای مصرفی حدود ۱/۵ میلیارد روبل بوده است. ۲۰ شهر و ناحیه اداری، ۱۴۲ روستا و حدود ۱۷ درصد از کل ساختمانهای مسکونی تخریب شدند و تنها در بخش صنعت، ۱۷۰ کارخانه آسیب دیدند که تعداد زیادی از آنها تا اواخر

دهه ۹۰ هنوز به کار نیافته بودند. ۸۲۰۰۰ نفر بیکار شدند و ۱۷۰۰۰ شغل از بین رفت. به رغم اجرای برنامه بازسازی مناطق آسیب دیده از زلزله، تنها در آن سالها ۱۵ تا ۲۰ درصد پیشرفت داشت و با فروپاشی شوروی سابق برنامه های بازسازی رهاگردید. (۳۰) از خسارات عمده ناشی از زلزله، تعطیلی نیروگاه هسته ای این کشور بود که عمده ترین منبع تأمین انرژی محسوب می شد و باعث بروز مشکلات بیشماری برای مردم و تعطیلی بسیاری از کارخانجات صنعتی و بیکاری در این کشور گردید.

مشکلات سیاسی - اجتماعی

اضافه بر مشکلات گفته شده، ارمنستان در راه اجرای برنامه های جدید اقتصادی و اصلاحات با موانع داخلی و سیاسی - اجتماعی عدیده ای روبرو می باشد که این موانع ریشه در مشکلات قبل دارند. نکته مهم در خصوص این موانع، تأثیرگذاری آنها بر همکاری های اقتصادی و جذب سرمایه گذاری خارجی است. این موانع عبارتند از: در ارمنستان وضعیت سیاسی پایداری وجود نداشته و تغییرات ممتد و تحولات سیاسی همواره بر مسایل اقتصادی تأثیر داشته است، سیستم بوروکراسی فاسد همواره مانع کار بوده و باعث عدم تحقق کامل پروژه ها و برنامه های اقتصادی می گردد، سیستم قوانین اقتصادی این کشور هنوز به طور کامل شکل نگرفته است، عدم تأمین بودجه این کشور از طریق عوارض و مالیات به دلیل فقدان درآمدهای مناسب و همچنین کم بودن مراکز تولیدی، عدم وجود سیستم تضمین اعتبارات و سرمایه گذاری های خارجی به همراه وجود جو عدم اطمینان در تولید و تجارت، وجود مافیای اقتصادی به عنوان یک معضل مهم اقتصادی، تعدد مراکز قدرت، تغییر سریع مدیریت در سطوح مختلف دولتی.

جمع بندی

اتخاذ نظام اقتصادی بازار آزاد در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ تأثیر بسزایی بر توسعه اقتصاد

جمهوری ارمنستان داشته است. در این راستا تغییرات ریشه‌ای صورت گرفته و بخش خصوصی در اقتصاد اولویت یافته است. رشد اقتصادی از سال ۱۹۹۴ در این کشور به ثبت رسید و تنها در سال ۱۹۹۹ و شش ماهه اول سال ۲۰۰۰ این رشد تحت تأثیر بی‌ثباتی ناشی از تحولات سیاسی پس از واقعه حمله مهاجمین به مجلس ملی ارمنستان مقداری کاهش یافت. در عین حال گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به اقتصاد بازار آزاد باعث کاهش سطح زندگی بخش عمده‌ای از مردم ارمنستان شد. به‌رغم پیشرفت در برخی شاخصهای اقتصادی ارمنستان، اقتصاد این کشور هنوز با مشکلات جدی روبرو است. در شرایطی که آهنگ رشد و توسعه اقتصاد ناکافی است، تولید ناخالص ملی، درآمد ملی و درآمدهای بودجه نیز به‌کندی رشد می‌کنند و اقتصاد سایه‌ای (مافیای اقتصادی) به میزان زیادی اقتصاد ارمنستان را تشکیل می‌دهد. در عین حال ارمنستان می‌تواند به عنوان کشوری با صنایع توسعه یافته محسوب گردد و کشاورزی با در نظر گرفتن اراضی محدود این کشور نمی‌تواند توسعه خوبی داشته باشد. بی‌شک این کشور به دلیل محصولات کشاورزی مرغوب به‌ویژه در زمینه میوه‌جات می‌تواند درآمد مناسبی داشته باشد ولی با این حال کشاورزی هرگز نمی‌تواند اساس اقتصاد ارمنستان باشد. امروزه فقط صنایع این کشور امکان توسعه را فراهم می‌آورند. زیرا شرکت‌های عظیمی در زمان شوروی پیشین در ارمنستان فعالیت می‌کردند و می‌توان با نوسازی و ارتقای آنها زمینه رشد بیشتر اقتصادی را در این کشور فراهم آورد. بنابراین توسعه عرصه صنایع از اولویت مهمی برخوردار است. امکانات این کشور در زمینه صنایع الکترونیکی، دستگاه‌های دقیق و ابزار طبی، تراش الماس و تولید ساخت با توجه به پتانسیل فکری و نیروی کار ارزان مناسب می‌باشد.

دولتمردان ارمنستان برای تحقق و استمرار اصلاحات اقتصادی، ناچار هستند شرایط سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در این کشور فراهم سازند. با توجه به ذخایر معدنی غنی در

ارمنستان حتی در صورت بهترین آهنگ رشد، رشد اقتصادی نمی‌تواند به بیشتر از ۵ تا ۷ درصد برسد در حالی که برای رشد ثمربخش اقتصادی در این کشور باید رشد تولید ناخالص داخلی حداقل ۱۰ تا ۱۲ درصد باشد. بدون شک چنین رشدی فقط به واسطه توسعه سرمایه خصوصی و نه سازمانهای مالی بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود. برای تأمین این مقدار رشد در ارمنستان سالیانه به ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار سرمایه نیاز خواهد بود. دولت ارمنستان برای سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳، طرحهایی را برای توسعه اقتصاد کلان پی‌ریزی کرده که براساس آنها استمرار اصلاحات اقتصادی و حفظ ثبات محیط کلان اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در این طرحها، رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱، ۶/۵ درصد و در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به میزان ۶ درصد برآورد شده است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز با رشد ۲ درصدی به ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. کسری بودجه دولتی هم در طول این سالها تا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت. کمبود حساب جاری از ۱۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۳ کاهش می‌یابد. البته این کاهش به کمکهای خارجی منوط خواهد بود. همچنین تناسب پرداخت‌های بدهی نسبت به تولید ناخالص داخلی و تناسب ارزش فعلی بدهی خالص بر صادرات کالا و خدمات در سال ۲۰۰۳ به ترتیب ۱۲ درصد و ۱۱۵ درصد کاهش خواهد یافت. (۳۱)

تلاش دولت ارمنستان برای رفع موانع اصلاحات و توسعه اقتصادی کشور، همچنان بر توسعه شبکه موجود اقتصاد کلان متمرکز شده است و بهبود در بخشهای زیر در حال حاضر مورد توجه دولتمردان ارمنی قرار دارند: نارسایی در مکانیزم اخذ مالیات، فقدان عملکرد عادی در عرصه اموال غیرمنقول و بازارهای مالی، وضعیت مالی خطرناک در اکثر بانکها، فقدان اعتماد عمومی به نظام بانکی و در نتیجه سطح پایین پس‌اندازهای داخلی و منابع داخلی برای

سرمایه‌گذاری، حجم زیاد بدهی‌ها در بخشهای دولتی، روند کند شکل‌گیری زیربنای اقتصاد بازار که در خدمت بخش کشاورزی می‌باشد، فقدان مکانیزم‌ها و طرحهای معین برای مساعدت به شرکتهای واحدهای صنعتی که دارای پتانسیل هستند به موازات خصوصی سازی این واحدها، جمع‌آوری، تحلیل و انتشار اطلاعات اقتصادی و تجاری توسط مؤسسات دولتی و خصوصی.

در پایان باید اذعان نمود که به‌رغم حرکت سریع این جمهوری به سوی اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، نتایج به‌دست آمده از اتخاذ این سیاست به‌کندی خود را نمایان می‌سازد؛ زیرا مشکلات به ارث رسیده از دوران شوروی سابق به همراه مناقشه حل نشده قره‌باغ و محاصره راههای این کشور توسط جمهوری آذربایجان و ترکیه مانع عمده تحقق سیاستهای اصلاحی است. علاوه بر این، مسایل پیچیده سیاسی و امنیتی منطقه قفقاز جنوبی و رقابت قدرتهای منطقه‌ای و جهانی برای نفوذ در این منطقه، از موانع دیگر رشد این کشور محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، تضمین پیشرفت اقتصاد، صنعت ارمنستان و همکاری اقتصادی آن با کشورهای منطقه بستگی به اجرای اصلاحات کامل اقتصادی و حل مسایل سیاسی موجود در منطقه دارد. یعنی به موازات تلاش در عرصه‌های جذب سرمایه‌گذاری در زمینه علمی - فنی، تکنولوژی پیشرفته و جدید طبق استانداردهای علمی فعلی دنیا جهت توسعه اقتصادی، حل مسایل سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه نیز دارای اهمیت فراوان می‌باشد. در مورد مسایل سیاسی مهمترین گام تثبیت وضعیت سیاسی - نظامی در منطقه قفقاز جنوبی و پایان منازعه قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و لغو محاصره ارمنستان می‌باشد. عدم پیشرفت در این عرصه به مقدار زیاد اقدامات این کشور را در جهت توسعه اقتصادی خویش و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه با مانع مواجه می‌سازد. علاوه بر این، اقدامات جدی در خصوص حل بحران انرژی در ارمنستان ضروری است. بهره‌گیری از امکانات کشورهای دارای منابع انرژی (نفت و گاز)

غنی که امکان راه‌یابی این کشورها از طریق خاک ارمنستان، انتقال نفت و گاز به کشورهای اروپایی را فراهم خواهد آورد، حائز اهمیت است. گام مهم دیگر احداث و توسعه خطوط حمل و نقل در داخل خاک ارمنستان می‌باشد، که از یک سو این کشور را از محاصره خطوط مواصلاتی خارج نموده و امکان دستیابی این کشور به دریای آزاد را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر این امکان در اختیار کشورهای منطقه قرار می‌گیرد که از کوتاهترین راه ممکن با کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای اروپایی ارتباط برقرار نمایند. بنابراین ارمنستان جهت توسعه اقتصادی پایدار خود نیازمند است تا در دو زمینه مهم یعنی تأمین انرژی و راههای مواصلاتی سرمایه‌گذاری نماید. در اینجا نقش استراتژیکی و منابع غنی انرژی جمهوری اسلامی ایران اهمیت می‌یابد؛ زیرا ارمنستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود نیازمند راههای مواصلاتی راه آهن و جاده در ایران است. همچنین به لحاظ فقر انرژی فسیلی در این کشور وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در ایران نگاه آرامنه به سوی کشورمان معطوف است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع غنی انرژی خود می‌تواند نقش شایان توجهی را در توسعه و اصلاحات اقتصادی ارمنستان ایفا نماید. از سوی دیگر، به دلیل پایین بودن سطح امکانات ارمنستان جهت توسعه اقتصادی و رفاه مردم و وجود مشکلات ناشی از تطویل مناقشه قره‌باغ، ایران می‌تواند نقش فعالی را در توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور داشته باشد. با عنایت به مطالب مطروحه می‌توان استنتاج نمود که توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در تمام ابعاد به‌ویژه عرصه‌های اقتصادی می‌تواند به توسعه اقتصادی این کشور و در نهایت تحکیم مناسبات و تعمیق آن منجر شود. به عبارت دیگر اجرای اصلاحات اقتصادی در ارمنستان بستر مناسبی برای این هدف که به نفوذ هرچه بیشتر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در منطقه قفقاز و ارمنستان منجر خواهد شد، می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱. خسرو نورمحمدی، «روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، مجموعه مقالات سمینار بررسی منابع و ظرفیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، سیدرسول موسوی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، صص ۱۸۳-۱۸۲.
۲. ابوالفضل کاشانی، سیاست خارجی جمهوری ارمنستان و بحران قره‌باغ، (تهران: دانشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲)، ص ۳۴.
۳. سعید انتصاری، راهنمای صادرات به ارمنستان، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۷)، ص ۱۴.
۴. علیرضا رحیمی‌بروجردی، سیاست‌های اقتصادی کلان و اصلاحات ساختاری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳)، صص ۱۱-۱۰.
5. Bertino Fabro, *Armenia: An Economy in Transition, Post Privatisation Issues* (Yerevan: Euro- In Library, 1999), pp.42-50.
6. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *National Statistical Service Bulletin 2000*(Yerevan: Office of National Statistical Service, 2000), p.25.
7. Privatization Guide, *Armenia Development Agency*, 1999, p.2.
۸. وزارت دارایی ارمنستان، «سیستم بانکی در راه توسعه»، مجله مرکز مطالعات اقتصادی کلان و بانکی، شماره ۱۰، سال ۲۰۰۰، ص ۹.
9. Bertino Fabro, *op.cit.*, pp.70-71.
10. Central Bank of the Republic of Armenia, *The Monetary Policy Program of The Republic of Armenia* (Yerevan: Central Bank of The Republic of Armenia, 2000), p.16.
11. Bertino Fabro, *op.cit.*, pp.142-147.
۱۲. روزنامه هایستانی هانراپتویون، شماره ۱۲۳۶۸، ۱۳۶۸/۲/۸، ۲۰۰۰، ص ۱. براساس گزارش سالانه خدمات آمار ملی جمهوری ارمنستان.
13. *Hayatsk Tntesoutian Magazine*, Report of The Government of Republic of Armenia, No.15, May 2001, p.2.
14. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *op.cit.*, p.46.
15. *Ibid.*, p.58.
۱۶. روزنامه بانکها و امور مالی، ۱۹۹۸، شماره ۱۷، ص ۴.
17. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *op.cit.*, 2000, p.57.

18. Central Bank of The Republic of Armenia, *op.cit.*, p.5.
19. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *op.cit.*, 2000, p.64.
20. *Ibid.*, p.65.
21. Bertino Fabro, *op.cit.*, p.24.
۲۲. توروس توروسیان، «مجموعه اقتصاد خارجی و تنظیم آن»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۴ (تابستان ۱۳۸۰)، صص ۱۸۰-۱۷۹.
۲۳. همان، ص ۱۸۱.
24. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *Armenia Economic Trends, Quarterly Issue* (Yerevan: Ministry of Finance and Economy of Armenia, 2001), p.92.
25. Ministry of Finance and Economy of Republic of Armenia, *Armenia Economic Trends, Quarterly Issue, op.cit.*, p.89.
26. *Ibid.*, p.97.
۲۷. ناصر زمانی، مناقشه قره‌باغ کوهستانی: مواضع کشورها و سازمانهای بین‌المللی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: دانشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۷۹)، صص ۷۹-۷۸.
۲۸. بهرام امیراحمدیان، «راههای ارتباطی قفقاز با ایران، تنگناهای موجود و چشم‌انداز همکاری‌های آینده»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۳ (باییز ۱۳۷۷)، ص ۱۲۶.
۲۹. م. ایوانف، «همکاری اقتصادی ارمنستان با روسیه»، ترجمه پروین معظمی‌گودرزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۸ (زمستان ۱۳۷۸)، ص ۱۲۹.
۳۰. جلیل روشندل، «چشم‌انداز توسعه اقتصادی در ارمنستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، (زمستان ۱۳۷۳)، ص ۶۶.
31. Hayatsk Tntesoutian Magazine., *op.cit.*, p.2.